

سیاسی دول، و اهمیت این متینغ ها وقتی بیشتر است که در اغلب مراکز در يك وقت یا متعاقباً انعقاد یابد. اگر مراکز سیاسی و انجمن های ایران با هم مربوط بوده و در تحت يك نقشه عمومی حرکت کرده و تشکیلات لازمه داشتند این مسئله بیشتر کسب سهولت و موفقیت میکرد.

۵ - ترك معمولات دولت متجاوز (بویکوتاز) یعنی نگرفتن و استعمال نکردن معمولات دولت متجاوز. مثلاً حالا در ایران اگر تجار با غیرت و افراد با حیت بخواهند در مقابل حرکات روس ترك معمولات او را بکنند باید معمولات او را مانند قد و جای و کبریت و قاش و روشن نفت و سایر امتعه نگیرند و سنارش ندهند و استعمال ننمایند، یا از دول دیگر بخواهند و یا به معمولات وطنی اکتفا بنمایند، و اگر در بیابان ثابت و استقامت ورزد تأثیر زیاد می بخشد. و در بیابان بزرگترین وظیفه برعهده علمای اعلام و تجار محترم مرتب است. زیرا افراد اهالی تابع او امر و حرکات آنها است. چنانچه چینیان در مقابل دولت آمریکا و عثمانیان در مقابل اطریش کردند و به ترویج آمال خود بایل شدید. این بود بعضی از تدابیر سیاسی که اگر به اصول صحیح و نابت از طرف ملت اجرا شود نتیجه خوب می دهد، چنانکه از تدقیق واقعات تاریخی و احوال سیاسیة دول اهمیت این تدابیر نابت و آشکار است و از اینجا است که گفته اند، تدبیر و سیاست پیش از شجاعت و قوت است.

ح. کاطم زاده

مستطاب قابل

کتر مسئله هست که مثل استثناسیت باعث ونجش وحدت طباع میشود. یکنفره میگوید (بدی است هیچ آدم عاقلی معتقد مذهب اسپین نمیگردد) دیگری میگوید (خیر هر کس ذره سروت دارد مسلماً ایتناس پسند است) ولی بنظر ما این هر دو گروه چون دست بالا را اختیار کرده اند تا يك اندازه حرف زور میزنند، خیر الامور اوسطها بهترین مسالك است. بلی چیزی که هست بعضی نمیتوانند مصائب بی نوع را علانیه به بینند و خود داری نمایند، لذا هر راهی را که امید نجات فوری در آن تصور میشود گرفته و پیش میروند، برخی عاقبت بین

تراند و تصدیق به مخاطرات سری نموده عیالیت از کلیه اصلاحات مینمایند باخیال که شاید نتیجه خوبی موقتی اوصاع را از بد بدتر کند، این دو میلان در طبیعت بشری ریشه های بسیار عمیق دوانیده است و بشارت یکدیگر کم کم موجب انقباض میشود، از مرور به تاریخ بشری بسی اتفاق می افتد که نمیتوانیم بگوئیم کدام يك از این دو صنف بیشتر مایه انقلابات کشته اند - صنفی که طالب تبدیل افند بر جان کندی، یا صنفی که خواهان وضع قدیم اند بهر سختی

اگر این دو قوا را ممکن بود بهم اتصال دهند تدم امور هم سربانه میبود و هم سلطانه، ولی تا تحدیدات ما به تنگی امروزی خواهد ماند تقح و شکست در اوصاع استثناسی دوام خواهد داشت مقدمات گویا دیگر بس باشد رویم سر مطلب

هم میدانیم که تا دیروز رایحه نو میدی از خطه ایران میآمد و باصطلاح خودمانیها وضع آنگلکت شلوغ اندر شلوغ بود، دو مشکل معظم مهم آنجا تولید یافته که ملت از تربت یا اسقازشان تقریباً طاجز آمده بود، این دو مولود مرید موسوم به (پلنک) و (اقتصاد) اند. اولی مربوط به انتظام خارجی

استثناس است - و دوم به تکوین و تقسیم نروت سروکار اهل پلنک نقطه با معضلات استثناس است و شالوده وظیفه ایشان اختیاریست که استیلا بر امورات ملی دارد، از آنطرف معامله ارباب اقتصاد بامکنت عمومی است و انتاع ایشان بهبودی معاش افراد و ترفع اعتبار جمهور میباشد، تا رابطه یکقوم با همسایگان صحیح و پایه اوضاع خانگیست مستحکم نباشد از هجوم حوادث فلکی و ارضی ایمن نمیتواند زیست. لکن هیچ ملتی هم از لزشهای دایسته و نداشتنه امنای خود محظوظ نمانده، وای به کسیکه دفتماً احتیاط مطلقه باو داده شود و اعتماد اغراقانه به کثایت خود داشته باشد، امان از شخصیکه جمهور او را قاید عمومی خوانند و بنتناً او قیم قانون گردد

اغلب مردمان از این يك نکته غافل اند که هر فردی از افراد بشر کم یا بیش مسئول خوبی و بدی بی نوع است، هر واحدی تصور میکند چه که واجد مصائبی، یا از او بچند می آید و از او بچند

کیانیان و استقرار مشروطیت در ایران بود کار پرداز خانه اول ایران در ازبک که از مدتی باین طرف بیک مائتخانه شباهت داشت یک رونق و شطارت مخصوص داد

در حال به ترتیبات حترال قونسولگری شروع شده با بیدقهای ایرانی و عثمانی و باوای کلها و با چراغهای غاز در صورت فوق العاده مرین شد چیزیکه امثال آن در ارمن نامسوق بوده وحیاتی اخوتکارانه عثمانیان را سبب براریان برهان قطعی میباشد ایست که عموم صاحبمنصبان عثمانی با لباس تمام رسمی حترال قونسولگری برای تبریک رفتند. این ملاقات بدرجه که مطلق بود مان اندازه هم صمیمیت داشت. در کار بردار حاه میرالای ارکان حربیه حیل بیک اندی نطقی ایراد کرده با مقابله از طرف حترال قونسول جواب داده شد. همان روز والی ولایت و عموم قونسولهای دول متحاه بکار بردار حاه رفته ایهای مراسم تبریکت نمودند بعد از ظهر عموم ایرانیان مقیمین شهر در کار پرداز حاه حاضر شده از طرف فتح الله حان حترال قونسول نطق بسیار بلبع و طس پرورانه گفته شد و عموم حصار دست زده اظهار شادمانی کردند تا نصف شب بیکدسته موزیک در کار بردار حاه مترنم مآذنگ های خوش بوده و خیلی از عثمانیان و ایرانیان در قونسولگری احرای شادمانی میکردند و از طرفین نطقهای صمیمی تعاطی میشد

شب بیک هیئت محترمی از طرف جمعیت ناحیه اتحاد و ترقی بکار بردار حاه عریتمت کرده در صورت صمیمی قبول شدند و از دو طرف نطق ای بلیمه دایر روابط علویه دو ملت اسلامییه ایراد گردید در این بن محصار بستنی و ایموناظه و شیرینی و سایر شرب آلات اکرام شد

فردای آن روز که مصادف با عید مقدس ملی ما بود برای اشتراک عید ملی برادران عثمانی خود کار بردار حاه مرین شده بود در وقت ظهر حم غزیری از اهالی عثمانیه با بیدق و موزیک بقونسولخانه رفته بیک نمایش صمیمی اجرا نمودند و نمایش کتندگان شیرینی و ایموناظه توزیع گردید. این نمایش مناسبات قلبی و مادی این دو ملت اسلامییه را تقاضا مینمود از طرفه نطقه مآذنگ گفته شد

بایستد. و کمال بصارت و ادراک غمخورانه میخواهد که به بند چطور تمام آحاد با رشته های سبب و اثر بهم تسلسل دارند. این رشته ها است که افراد آن آحاد را به طوایف یا ملل میبافد و اینها بر حسب استعداد ملی صعود یا هبوط میبایند

با حالت حاله ایران استدامه استقلالش خیلی دشوار است. طبقه که با ایمان دارند به اخلاق. نه حسن به محبت. نه رحم. لاشک رو سباهی ملت بار خواهند آورد. در همچو مورد باز اشخاصی لازم اند. که حری باشد. نطق باشد. زرنگ باشد. حد بد باشند. مهرور باشند. و بالاتر از همه مؤید به فنون باشند که قوه صوری عامه را مشتعل میسازد هیجان میدهد و هدایب میباید یعنی مردمان باشد که نتواند بلوائی را شکوه انقلاب بخشند و حبش جمهور را حبهتی دهند

اصاف همیشه بیک شعور کونی را دارا هستند که هر وقت اعراض صدی پیش مآید آن شعور فوراً فعال میگردد اگر انقلاب حایه ایران و این سکون موقتی را بیدیه دقت نظر کهد خواهد داد است که روی هر رفته بصرت اردو اتیان بوده است. راست اسب سلطه مننوی و مشروطی هم صماً اصب یافته لیکن طلاب تاریخ میداند که بیک صنف وسطی (یا بصارت دیگر صدی که ره کر تمام ملل است) کمتر خود را با اوانان عامه مالتسبه اصحابان حالصحات مقصد میسازد. مشهور است که احتیاج مخیله و بدن را مستعد کار میکند و کار موثر تکوین صحت و غیرت اسب و غیرت نفس حیات میباشد. حالا باید دید ایرانیان در کدام بیک از این خطوط سایر اند دو احتیاجشان حرفی نیست. آیا هنوز چندان مدلل شده که در آتیه منشاء چه فعل حیه خواهند کشت

(۸ جولائی ۱۹۰۹)

(بروفیسر تبید الصمد شاه - جوناگر)

◀ نقل از حریده اتحاد منطبعة ازبک

(مورخه ۸ رجب المرجب ۱۳۲۷)

(۹ تموز عید ملی ایران)

تلگراف رسمی سنارت کبرای اسلامبول که پیشتر خلع و طرد شاه بد خواه محمد علی و جلوس سلطان احمد شد

▶ جواب از سفارت کبری

(انجمن محترم اتفاق)

از تبریک موقیبت واقعه و اظهار حسن شیده وطن پرستی مشیرحضور خلی نمون و مسرورگردیده مزید توفیقات و سعادت عموم هوطنانرا از خداوند خواستارم

▶ مکتوب از مصر

(درد دل یا حکایت)

میدانید آقا میرزا محمدعلی بیگ از چندی باین طرف مدرسه موسوم به خیریه ایرانیان دائر و درین مدت از کیسه قنوت خود بالغ بر هزار و پانصد ایرا خرج نموده و بنازگی خواست که رسماً مدرسه موصوف را درخصائص مدارس خیریه عمومیّه متسر شامل نماید چون این امر رسمی بود خواست بتوسط وکیل سیاسی ایران انجام پذیرد مراسله که درین خصوص ردوبدل شده عیناً رای درج در جلالالتین فرستادم تا ارباب وحدان از او استزاده حاصل نمایند

▶ مراسله وکیل سیاسی ایران مقیم مصر

جنابصخامت نصاب آقای میرزا محمد علی بك زید اقباله‌العالی - رقیبه شریفه درخصوص مدرسه جنابعالی مسمی مدرسه خیریه ایرانیه عزوصول ارزانی داشت، و از منادآن آگاهی حاصل نمود، امر این مدرسه در اینوقت بسی دشوار و مخلص را دوجار اشکالات می سازد باین معنی که نمیتوام رسماً اقداماتی که منظور جنابعالی است بعمل آورده و نه میخواهم خواطر شریف را برنجیده و ناراض داشته باشم، اما درست که ملاحظه فرمائید يك مدرسه که فقط از کیسه قنوت جنابعالی دائر و هیچیک از ایرانیان در امر این مدرسه مداخله و شراکتی ندارد و تا امروز نظامنامه و پروگرامی از این مدرسه بوکالت سیاسیته ایرانیه نداده‌اند چگونه میتوان رسماً این مدرسه را مدرسه خیریه ایرانیه در نزد حکومت مصریه معرفی نمود، وچنانچه احتمال نمیرفت که کتباً یا شناها در اینخصوص توضیحات بخواهند در انجام مقاصد جنابعالی خودداری نمی نمود، بلکه سعی بود که کار بمیل و مرام جنابعالی صورت انجام پذیرد، ولی چون یقین صریح دارم که در جواب وکالت سیاسیته تا يك درجه اشکال خواهند کرد و توضیحات خواهند

بعد از ظهر جنرال قونسل بدایره حکومت به عسکریه و بقلوب شهر که مرکز جمعیت اتحاد و ترقی است رفته ایفای تبریک و تشکر نمود در(قلوب) شهر در حالیکه والی ولایت و هیئت بلدیّه و سایر ذوات محترمه حاضر بودند از طرف یککفر ازاعضای محترم جمعیت اتحاد و ترقی نطقی دایر بادامه روابط مادی و معنوی ملت ایران اسلام ایراد شده از جانب کار برداز اول بالمقابله جواب داده شد، هر دو نطق نهایت درجه صمیمانه بوده مورد تحسین حضارگردید، عصر همان روز جمعیت اتحاد و ترقی هیئت بتکرار بکار بردازخانه فرستاده بیان تشکر نمودند. شب نهمین ملی که ازطرف هموطنان (موسوی) ترتیب شده بود به پیش کار بردازخانه رفته بصوان ملت ایران بجنرال قونسل بیان شادمانی کردند، از طرف کار برداز اول بنام ایرانیان بانجمن سعادت بریاست اردوی حریت بمحضرات سپدار و سردار اسعد و بمحضرات حجج الاسلام عتبات عالیات و بسفارت کبریای اسلامبول تلگراف های تبریک کشیده شده و جواب از آن مقامات عالیه رسیده است

شب پنجشنبه دو کار بردازخانه علاوه بر چراغانی با شکوه آتشبازی مفصل هم شد، از طرف کمیته (ارامنه) طاشناقیدن و ازطرف جمعیت مطبوعات و بطریقخانه رومها و بطریقخانه کاتولیک ها هیئت در جنرال قونسلخانه ایران آمده تبریک کردند

▶ صورت تلگراف حضرت سپدار اعظم

(در جواب جنرال قونسل از میر آقا میرزا)

(فتح الله خان مشیر حضور)

جناب جنرال قونسل ایران از تبریکات شما وتبته کمال ممنونیت حاصل و از وطن پرستیت مسروریم (وزیر جنگ)

▶ تلگراف انجمن اتفاق ایرانیان از میر

(بانجمن محترم سعادت و بسفارت کبریای اسلامبول)

مظنریت ملت قلوب مجروحه را التیام، کار برداز خواه جشن منصلی گرفته مایه سر بلندی ملت شد، مخصوصاً از وطن پرستی جناب مشیر حضور جنرال قونسل و از اشتراك برادران شمانی علناً تشکر میکنم

داخله بگویند این قبیل مدارس از مدارس شخصی به شمار می آید ، با کمال تأسف و رفع و چاره این اشکالات را از خود جنابعالی می خواهم و نیز متأسفم که نیدانید برای مختصر اقدامی که در مسئله معافیت اشیاء مدرسه از کرب شده است تا چه درجه دوچار بحث و مورد ایراد است ، چون بدبختانه باین ترتیب عذر خواهم لازم نیدانم عرض کنم که برای اینگونه دعوتها (فورمولی) مخصوص هست که میتوان رجوع بآن نمود زیاده تصدیق ندارد شایع

جواب آقا میرزا علی بیگ بوکات

(سیاسی ایران مقیم مصر)

خدمت با سعادت جنابجلالتاب احل آقای
مقتدرالملك وکیل سیاسی دولت علیه ایران دام
مجددالعالی

تعایقه رفیه که در خصوص مدرسه خیریه
ایرانیه مرقوم فرموده بودید بانامل احترام واصل
و از دقایق مطالب مدرجه آن اطلاع کامل حاصل
شد ، اشکالاتیکه از بابت معافیت رسم کرب اشیاء
لارمه مدرسه و از جهت موریک و قراول روز
احتیاج برای جناب حلالتماب احل عالی مرتب شده
است بسی مایه خجالت و شرمندهگی است ، واقعاً
جایچه اشعار فرموده اند می بایستی خودم ملتفت شده
باشم که مطلبی که حل آن مجزئی فقهه مالی بدون
مشقت و منت میسر است لارم نبود اسباب آنهمه
تصدیق و تولید زحمت برای حضرت احل عالی شود .
چون ما آن لطافت تدبیر و سلامت صحیر حل
اینتاب را بخود این بنده رجوع فرموده اند ، اتباعاً
للارشاد مطالب را مستقیماً صورت انجام دادم . مع
کل ذلک در مقام قدردانی و سپاس گذاری باز رهین
منت و محجول زحمات کار گذاران و کاتب سیاسیه
هستم که ساء گذشته در معافیت ملبوس و کتب و
لوازم مدرسه از رسم کرب متحمل آنهمه زحمت
و صدمات شده حقوق ملیه را محظوظ و امتیازی را
که حکومت جلیله مصریه برای مدارس و معابد و
مستثنیات جمیع ملل و شعب مبذول و رایگان
میدارد همت کار گذاران و کالت سیاسیه یک ساله درباره
مدروسه خیریه ایرانیه نیز ملحوظ فرمود ،

از بابت تسمیه مدرسه بمدرسه خیریه ایرانیه اظهار
فرموده اند مادامیکه نفقات مدرسه را بنده منرداً متکفل
هستم و کسی از حضرات آقایان و برادران ایران
اشترک ندارند برای حضرتعالی ناگوار است که این
مدرسه را در نزد حکومت جلیله مصریه بعنوان
مدرسه خیریه ایرانیه معرفی فرمایند ، که شاید مبادا
از جانب حکومت محلیه توضیحاتی بخواهند و حل
و تدبیر آن برای حضرت اجل عالی موجب اشکالات
متوعه گردد ، بنده را اگر از تأسیس این معهد
علمی نیت خود عالی بود میتوانستم آن مدرسه را
چنانچه اشعار فرموده اند مدرسه شخصی قرار داده
باشم باسم خودم یا بنام جد و پدرم موسوم سازم ،
و لکن بنده را نهایت شرف و منتهای افتخار از
این است که بفضل خداوند متعال بر حسب احساسات
شریفه نوعیه بافتتاح این معهد علمی بنام ملت نجیبه
ایرانیه موفق شده و از سعادت وافر حضرت
واهب الطایا کالت کافه مصارف آن بنده را میسر
گردیده است ،

از این خدمت صادقانه و بی ریا که بدون
ذره نخوت و منت بلکه با کمال انکسار و
خلوص نیت به برادران نوعی خود و باولاد انجباب
آنها که گنجینه آمال ملت هستند این بنده را
انفراح ضمیر بزرگترین مکافات و حسن قبول حضرات
برادران نوعی بالاترین مشوق است ، از خداوند قادر
غنی المغنی متضرعاً خواستکارم که کافه افراد ملت
نجیبه ایرانیه را به تشیید معهد علوم و تأسیس معادن
خیرات موفق و باعلاهی همیزات نوعیه و ملیه مؤید
فرماید ، و بنده را نیز در این خدمت ناجیز نوع
پرستانه که از تنقید و اعتراض مبراست بنائیدات
صمدانیه منظور فرماید ،

محققاً اگر ملاحظه اجتناب از اشکالات متصوره
در نظر جنابجلالتاب احل عالی نمی بود با آن حیث
نوع بروری و شفقت ملت دوستی که در فطرت
آن حضرت مجبول است نه فقط در تضییع و
معاونت بلکه در تحسین و تمجید این نیت مقدسه
نیز بر آحاد ابنای وطن که لطف خدمت شناسانه
آنها برای افتخار بنده کافی است تقدم و سبقت
میزمودید ، اما از بابت مراجعه به (فو مدله)

دعوت ، انشاءالله چنانچه تا حال ملحوظ بوده است
من بعد نیز حسب الاقتضاء مراعات میشود ، بای ایام
همت و سعادت مدام باد

حبل المتین

از جناب مقتدر الملك وکیل سیاسی مصرخواستش
می نمایم که اندک در اوصاف کنونی و وظائف مأموریت
خود عور نماید و فکر کنند که مأموریت ایشان که
سالانه يك مبلغ بسیار معنائ را از مال ملت گرفته
و با کمال عزت و توقیر و احتشام زندگی می نمایند
برای چیست . خدمات مأمورین خارجه ما تا امروز
چیزی نبوده که مستور باشد ولی ازین و بعد وظائف
آنها تغییر خواهد نمود ، مدرسه خیریه ایرانیه که از
همت عالی يك مرد بیور وض خواه از قبل مأموریت
خانامالی دائر و تا کتون هزار و پانصد ایرا خرج
آن شده نباید مدرسه شخصی خواند و مورث یأس
يك چند مرد بیور گردید ، غالب مدارس و مواد
خیریه از افراد بوده و حال آنکه بوعی اسب ، مدرسه
شخصی وقتی تواند بود که مؤسس آن از آن
مدرسه جلب فائده نماید ، امیدواریم وکیل سیاسی ایران
در مصر پیش از اینها بخدمات ملیه اقدام نماید و
مرید بر تشویقات ملی در خیر و ترقی عمومی گردد
ملکه اگر بواقعی هم در کارها بیند همت بر تکمیل
آن کارد ، و ما یقین داریم که اگر جناب مقتدر الملك
دوباره رجوع بخط خویش نماید نخواهد پسندید

تذکرات منحصنین سارت عثمانی

(بانجمن ایالتی خراسان)

حضور مبارک آقایان عمام - بعد از عرض بندگی
تذکرات مورخه (۸) شهر حال که بعنوان طهران
وسایر بلاد ایران مخبره فرموده بودند بامضای انجمن
محترم اسباب تشویش حاضر عموم اهالی طهران
خصوصا هیئت منحصنین شده است

وقایع بعد را بهیچ وجه اطلاع نداریم مستدی
اسب مفصلا وضع شهر و حکومت و میهانان تازه و
انجمن محترم و اهالی و اتصالات این دو روزه را
برای استحضار خاطر دعا گویند بفرمائید

جواب تذکرات منحصنین

(از انجمن ایالتی خراسان)

حضور مبارک آقایان - بعد از عرض بندگی .
تذکرات از اینجا بتاریخ پنجم و ششم بوده جبهه چه

شد که باقیان در هشتم رسیده ، اگر این طور
باشد در موقع حاجت دوا بدرد نمیرسد . از برای
این مطلب اول چاره بفرمائید . تفصیل وضع شهر
عصر روز پنجم بعد از قراو داد صلح بین حکومت
و ملت یکمرتبه بحکم ایالت صدای توپ بلند شد .
چه حالی بزدم دست داد خدا میداند ، پنجاه و دو
تیر توپ کوهستانی و شربل زده شد - یکه کفر
مقتول و بعضی خانها صدمه خورده ، مجاهدین غیور
جلوگیری از هجوم سرباز و توپچی و اشرار حاکمه
بشهر حمله آورده بودند ایشان را مقهور و منهزم
ساخته بارک برگشتند ، از هیبت و استقامت مجاهدین
توپ اندازی موقوف شد و چون غروب گردید ،
قزاق روسی بدون مقدمه بسنگر مجاهدین توپ
مسائل بستند بعضی مجروح شده و گلوله های
آن پرنی از خانها ریخت ، چه قدر زنها سقط جنین
کرده و نالسا از خانها بآسین بلند شد . با این
تفصیل رؤسای مجاهدین تربیت شده با نهایت مهارت
اتباع خود را عقب کشیده و گذاشتند کسی متعرض
روسها شود - روسها با توپ و تفنگ از جلو و
اشرار ارگیا در عقب که یکمرتبه قزاق شروع کردند
بسوزاندن دکاکن و خانها و سرباز و توپچی و
اشرار ارک مشغول غارت شدند . از آن جمله خانه
و دکاکن رضا یوف تاجر باشی است ، و یکذره هم
از آن آتش سوخت ، به هزار زحمت حکیمانه انجمن
ایالتی جلوگیری نمود لیکن تا صبح شلیک توپ و
تفنگ بود و صدای یا الله مردم بلند - یکزن از
گلوله اشرار کشته شد هرکه از آنها خلاص میشد
پناه بقعه و روضه مطهره میبرد ، صبح آنروز
با سرباز و توپچی هجوم آورده چند خانه را غارت
کردند بزحمت زیاد جلوگیری شد نده مجروحین و
مقتولین و خسارات وارده هنوز معلوم نیست ، این
زحمت سنگر بندی مجاهدین که برای حفظ اموال
و اغراض و نفوس ملت بود هدر رفت ، این حرکت
از مرکز ایالت قابل اخذ نیست و نجات ملت در
این دو سه روزه غارت بر احدی پوشیده نیست ،
برای بعضی مصالح کار شکل دیگر پیدا کرده و صورت
استغنا پیش آمده و حال آنکه این سرباز و توپچی
در این مدت دو ماه با این اشرار بودند و جرئت
هیچ هجومی بطرف شهر نداشتند ، مطلب واضح

است معذک راضی بآن استغنا نیستیم برای آنکه در محذور اشد از جهت نبودن حاکم رسمی واقع نشویم ، عسر وجه اشرا را همدست شده بطرف تلگرافخانه هجوم کردند هیچ کمان مقهوریت ننمودند که مجاهدین بیور جلوگیری کرده در مقام دفاع برآمده بعضی را مقتول و بعضی را مجروح نموده منهزم شدند ، با این صولت مردانه آتش فتنه تخفیف یافته ، ایکن مسبوقید که ماده نساد چیت و هر روزی بشکلی ظام میشود ، عقلای مملکت در این باب نظر ها نموده هنوز متعجبند استمداد از افکار صائبه آن بزرگواران میبایم ، و از مطالب تازه آن است که ایات کبری بنوان وحشت ازدیوانخانه کناره کرده و در حذب فونسول گری روس منزل کرده اند ، نیدایم این اقدام چه ضرر ها خواهد بخشید ، امر تلگرافخانه را اصلاح فرمائید که زود زود ماله ما بشا برسد ، تفصیل مکتوباً خواهد رسید تا امروز که دم است همه روزه اشرا در بالا خیابان و سراب مشغول نارت و حرکات خودسراه و سگر سدی میباشد . اهل شهر از آن حدود نمیتواند عبور نمایند و سبکی از علما میخواهند گاوله بزند فرار نموده او را تاقب کردند . شما را بخینال بعضی از حرکات و شب و روزی نیست که خانه غارت نکنند و با این حال وضع امانی و اضطراب آنها معلوم است هر ساعتی مترقب مفاسد عظیمه هستیم اشرا بر قوای خود ساعت بساعت افزوده سنگرهای خود را محکم میبایند ، مجاهدین با کمال آرای مشول حنط شهر هستند خیلی احتمال میورد که اشرا و سر باز و تویچی حملات مجدد نوی بشر بیاورند و بسیاری از مسلمانان بیطرف مقتول و اموال مردم بکلی نارت بشود . . .

میهانهای ما دخاترای علی نموده و راه هم بدست ندارند و کسی هم با آنها بیچ وجه تعرضی نداشته و ندارد ، این مفاسد عظیمه را در مملکت سهل بشاید برای این میهانان و دخاترای آنها فکری فرمائید تجری اشرا ارتکاب بواسطه دخالت میهانان ساعت بساعت زیادتر میشود ، سالار خان و مجاهدین تربت تلگراف کرده اند که با تمام قوا برای دفع اشرا در بیرون شهر اردوزده عازم مشهد هستیم ، بیاره بلاخانات آنها امر شد که فعلاً حرکات

نکرده منتظر خبر ثانوی باشند ، از تناط دیگر و اطراف شهر هم مردم برای امداد و حرکت حاضرند تا قلع وقع اشرا ارگی نشود امنیت حاصل نخواهد شد قلع و قمع هم با دخالت میهانان امری مشکل شده ، چنانچه ممکن بشود از طرف سفارت روس بقونسول حکمی صادر نمایند که بن طرف شود در این صورت اشرا هم تن صلح خواهند داد . دفع آنها هم در نهایت سهل است ، قوه مجاهدین در مشهد برای دفع اشرا کافی است ، علت تاویل دخالت میهانانست ، قشون خود را میهانان ما برای امنیت وارد کردند و حال اینکه ورود آنها اسباب عدم امنیت شده ممکن است بدول متمنده و سفرای نمایند طهران پروتست نموده که جرّه برای آنها بنمائید که خرج بشود یا ما را بحال خودوا گذارند که اشرا را که امروز قتل و هب عرض و اموال مسلمانه را وجه همت خود قرار داده اند دفع نمایم ، اگر این مساعدت را رهوندند و امانی مملکت برای حفظ عرض و جان خود اقدامات دیگر بنمایند و جلوگیری عامه از دست ما خرج شود میداید چه خواهد شد نرز که شده است علاج فرمائید . آنچه جرّه جوئی بنارت آمده از نوشتن توسطها فائده نکرده جواب مراسلات ما را هم بیچ وجه نداده اند بتوسط کار گذاری تاکیدات در تحصیل جواب مراسلات شد باز هم جواب ندادند قوسولها متعجبند ، اموال غارت شده کاشف المملک و غیره قرب دویت هزار تومان است دور نیست اگر قلع ماده اشرا بشود عرض و جان مسلمانی مدر شود ، جرّه آن عدم دخالت میهانان ما و وا گذاشتن دفع اشرا بمسئله خودمان است

امضا - (حاضرین تلگرافخانه)

جواب از طهران

از اقدامات مقولانه آن آقایان عظام که نگذارده اند از مجاهدین حرکت خلاف قانونی سر بزند و بهانه بدست میهانان افتد بنهایت تنون و متشکر هستیم و امیدواریم با اقدامات عقلانی آن ذوات محترمه رفع شر اشرا شده زحمت میهانان هم سرتفع شود و نهایت تاسف و ملالت را از این واقعات داریم و الان که سرخص میشود حضور هیئت مذاکراته لازمه برای رفع این انتالبات نموده اقدامی

که لازم باشد میشود، از بابت تلگرافات تلگرافخانه طهران با اطمینان میدهد که مطاب آقایان عظام را بدون تحریف و تعویق برسانند، حضرات عالی هم از بابت اداره تلگرافخانه مشهد اطمینان حاصل فرمائید انشاءالله تعالی فوراً شرح اقدامات و مذاکرات را بعرض میرسانیم، این دو سه روز باید کمال مراقبت را در امور شهر مشهد و جلوگیری از بهانه جوئی مهانان فرمائید که امیدواریم اصلاحات کلیه بعمل آید و عموم ولایات و ملت قرین راحت و آسایش بشوند، در باب ایات که صلاح نداشته اید استعضای ایشان قبول شود ملاحظه پلیدی خوبی است البته همیشه رعایت اینگونه سکات مهمه را خواهید فرمود، عموم حاضرین تلگرافخانه مبارکه خدمت حضرت حدیث الاسلام آقای طباطبائی عرض ارادت دارند خدمت و نرمایی باشد فوراً اطلاع بدهید (حاضرین تلگرافخانه)

انقلاب اسپانیا

بواسطه منع دولت اسپانیا از انتشار واقعات منصلاً حالات نمیرسد، و بعضی اخبارات بی معنی و مبالغه آمیز هم اشاعت می باید

بعضی از جبهات (کروزایر) اسپانیا که حامل اتواب سنگین است بر قلعه اعراب برکوه (گاروگو) شایک میباشد، این کوه قریب (ملیلا) است طامرا (۱۳۰۰۰) عرب شرک در یک جنگ با اسپانیا داشتند، و نزدیک باردوی اسپانیا رسیده بودند اگرچه اشترار رسمی [میدرید] اطمینان بخش است ولی عقیده عامه برخلاف آن است

ار قرار بیان اشخاصی که از [بارسلونا] آمده اند، تمام کلیسای شهر را آتش زده (۴۰۰) الی ۱۰۰۰ عده مقتولین است

وقایع نکار مخصوص دیلی تلگراف از (بارسلونا) واقعه وحشت انگیزی را میذکارد که (۱۰۰۰۰) ملتیان سر و پا های مرده کافرا سر نیزه نموده در راه و مبارگشت میکردند، کپتان جنرال انواع بملاحظه این واقعه جرئت شلیک نکرد و بسیاری از کشیشان و خانمهای تارک دنیا را در قربان گاه بقتل رسانیده و جمعی را هم در کلیسا آتش زده اند وزیر داخله اسپانیا بیان نموده که واقعه (بارسلونا) منقلب با انقلاب بارسی میباشد، منگنه

روانکی قشون بطرف (ملیلا) باسول سابق خود پیشرفت ولی یقین است که بزودی خواهد شکست آخر در (بارسلونا) دولت غالب آمد و شهر امن شد عده زیادی از قشون رسداز قلت خوراک در شهر نوبت به قحطی رسیده مقدار کمی از خوراک که بذریعه جبهات میرسد و بقیمت گزاف زروخته میشود

جنگ (ملیلا) موقتی موقوف شده راپورت رسمی طاهر میدارد که در مضافات (کافی لونا) و (اراگون) و (ویسکا) امنیت قائم و از طرف حکومت تدارک برای جلوگیری بی نظمی آتیه میشود در (ملیلا) دو بتاین قشون مجدد رسیده تلگراف (بارسلونا) براه راست رسیده حاکی است که مرج و مرج موقوف، دکابن باز، ترموا براه افتاده، راه آهن زیر مرمت، از روی اندازه کپتان جنرال ۱۰۰۰ مقتول و ۲۵۰۰ مجروح اند، عدالت نسبی دائر ولی تا کنون کسی را حکم قتل نداده

راه آمد و رفت (بارسیلونا) درست شده، اخبارات صحیحه که رسیده با اخبارات گذشته مطابقت مینماید، (۲۵) کلیسا و معبد را بلوایان سوزانده و عده شان (۳۳۰۰۰۰) بود، بلوا تا دو روز برقرار بود، و عاقبت از شلیک توپ خانه موقوف شد تبیین تلذات تا کنون شده هراران نفوس مقید اند، از ساحل (ریف) اعراب مراکو بر قشون (اسپانیا) شلیک می کنند توپ های جدید اسپانیا هم جواب آنها را میدهد و بسیاری را هلاک نموده جبهات توجانه (اسپانیا) آماده روانگی است توپ خانه بمسد (بالون) قبائل اعراب (ملیلا) را نقصان زیاد رسانید

اخبارات متفرقه خارجه

زلزله در (میکسیکو) امریکا واقع و اضلاع (چل پاناکو - چیلایا) و نصف صوبه (اکاتیکو) بکلی برباد شده اتلاف هراران نفوس است باقی ماندگان پریشان و در اضلاع (اگوالا) و (گوررو) هم از زلزله نقصان زیاد رسیده کلیسای بزرگ (میکسیکو) منشق شده است

مشق جبهات جنگی خیلی با شکوه اعلی حضرت ادورده هتمر سان دسته چپت، جبهات پهن اکاتیکو

و غیره را هم دیدند

از (توکیو) تلگراف رسیده ، که مضمون باحتراف کابیسای (اوساکا) میرود . بسیاری هم تلف شده . مروف ترین مباد (بوده) هم منهدم شده . در مضامین (چرچین) منچوریا به جهت سیلابی زیاد بسیاری از مردم غرق شده اند

امپراطور و امپراطریس روس به (چربرگ) رسیده . آن دسته جہازات را بمیت رئیس جمهوری فرانس دیدند

در (چربرگ) طبایف با شکوهی شد و رئیس جمهوری فرانس هنگام نوشیدن جام صحت امپراطور روس بیان کرد که بن دولتین اتحاد بدرجه اتم قائم و بقای صلح و امن اروپا بر دوستی دولتین است . امپراطور و امپراطریس فردا از (چربرگ) روانه (کلوین) خواهند شد

پس ارسوختن ۴ مربع میل اراضی و احتراق (۱۳۰۰۰) عمارات (اوساکارا) عاقبت به خودک آتش کامیاب شدند

امپراطور و امپراطریس روس در (چربرگ) دیروز رئیس جمهوری فرانسه را دعوت نمودند

رای پذیران امپراطور و امپراطریس در (کلوین) انتظام عمده دیده میشود و برای محافظت هم تدارکات لازمه دیده اند

بر جہاز مخصوص اعلیحضرت ادورد هتم و الکزندر برای استقبال امپراطور و امپراطریس روانه شدند . و در بالای جہازات وساحل با نهایت ترك و احتشام ملاقات نموده هوا بسیار مساعد و خوش بود میو (اسوالسکی) در پاریس بیان کرده که اتحاد روس و فرانس مبنی بر منافع پلتیکی است

برای ملاقات (کلوین) انتظام می شود . لازم است که دسته جہازات فرانسه امپراطور را تا حدود انگلیسی برسانند ، از معاهده روسیه با انگلیس ایران از خوف و خطر عظیم رست دولت روس امید میکنند که حکومت تازه ایران برای قیام امنیت در مملکت ابراز ایافت را داد

امپراطور و امپراطریس بمیت خاندان سلطنت بر جہاز سلطنتی (استاندرد) به (کلوین) رسیدند جہازات زره پوش انگلیسی (اندومپتیل ، انونسیل ،

اعلیحضرت ادورد هتم و ملکه با نهایت مسرت قلب پذیرائی از امپراطور و امپراطریس روس نمودند . مشق جہاز جنگی هم با نهایت ترك و احتشام دیده شد

حین نوشیدن جام صحت اعلیحضرت ادورد هتم فرمود که از ملاحظه امپراطور مشق یک دسته جہازات جنگی بسیار بزرگ انگلیس را خیلی خوشوقت ام . هرگز نباید اقدامات جنگی ما را علامت جنگ دانست . این برای خالصت تجارت سواحل و بقای امنیت است ، از ملاقات اعضای دوما خیلی خوشوقت شدم و امید میکنم که از مشاهده آنها حالت اینجا را در اتفاق و اتحاد دولتین ترقی نمایانی خواهد شد . اعلیحضرت امپراطور روس بجواب فرمود از ملاحظه مشق دسته جہازات جنگی آنای انگلیس و اتلانتک ریاد از اندازه خوشوقتی حاصل نمودم . از این منظر سطوت و عظمت انگلستان بخوبی ظاهر میشود از مدارات و موااسات اهالی انگلستان با وکلای دوما سال روان و از دسته جہازات سال ماضی نمونه ترقی اتحاد دولتین بخوبی داهر میگردد

بر جہازات (ویکتوریا) و (البرت) ضبانتی عالی ردوبدل شد و طرفین فرحناک معلوم می شدند . تمام تقریرات زمان انگلیسی بود

شاعراده وایمهد انگلستان امیرالبحر افتخاری دسته جہازات روسیه مقرر شدند

مخبر روتر از (اسبن) تلگرافاً خبر میدهد که بر حسب دعوت اعلیحضرت ادورد هتم . اعلیحضرت مانول پادشاه پرتگیس در عرض چند هفته انگلستان خواهند آمد

امیرالبحر (مدیترانه) (جنرل سرفریدرک فورستیر والکر) مقرر شد . و فرمانرمای (جبرائیل) نیز مقرر خواهد شد

مخبردیلی تلگراف از (میو استولی بن) رئیس اوزرای روس ملاقات نموده ، بیانات او را چنین مینویسد اتحاد روس با انگلیس ضامن صلح عمومی اروپا می باشد . ازین اتحاد روس خیلی فائده برده . بمجرد قائم شدن امنیت در ایران دولت روس قشون خود را طلب خواهند نمود

میو (اسوالسکی) وزیر خارجه روس دیروز

(سرادوردگری) زیاده مسرور کردید . اورا یقین حاصل است که مسئله (کرید) به احسن وجه تصدیه خواهد یافت

در سویدن هیجان زیاد در عملیات صاهر شده خپان کشیدن دست ار کار دارند . عملیات . ترموا و تلگراف دست ار کار کشیده (۱۰۰۰۰۰) هر تا کنون بیکار اند ، سیاحان ار شهر خارج شده . قشون کارهای هدیه را انجام میدهد . رعایا خریداری اسلحه میبایند

وقایع نکار (طمس لندن) ار (پیگن) تلگرافاً خبر میدهند . که (میوینتس) نام آلمانی راه آهن (نتمس بوکن) به سب خپان در راه آهن مد کور سرایوف

در (کویس) حسن پوشیدن حام محبت اعلیحضرت ادورد هتم تشکر نمود که امپرادور روس دولت روسیه را لباس مشروطه آراسته است

(میو اسوالسکی) حسن ملاقت ناخبر (روز) اظهار داشت که ار ملاقت نا پادشاه انگلستان امپراطور بسیار مسرور و خوشود شده . آثار اتحاد که ار عمر یک سبب دیگری طاهر شده نتیجه بررکی خواهد محشید و در قید ام سلطنت مشروطه عثمانی کوشش خواهد کرد

امپرادور روس محاب (پرسرگ) رهپار شدید ار ملاقات ایشان نا ادورد هتم کامیابی رید در معاملات بلندیکی حاصل شده اهالی ار احلاق نحه و صرر دوستانه امپراطور بسیار متعوفد

امپراطور روس نام (ملت انگلیس) عنوان نوشته در آن میگوید که ار ترکیکت که مدبرین ورعی و رور با محات تدیم توده بودند منتهای مسرت را دارد و این اتحاد ملی در آتیه نتایج بیکو خواهد محشید . خواش ملی امپراطور ایست که این ملاقت دو روره امیدواری مجدد محصول ثمرات بسیار بیت در سالهای درار

محل ملی امریکا مسوده تفره کرگت را امضا داشت و رشن جمهوری (مسرتف) هم بر آن دستخط نمود

حزیره کرید و دولت عثمانی و یونان تلگرافات اسلامبول صاهر میدارند که هیجان ملی در مسئله (کرید) روز بروز در تزیاید است و

حالات خپلی خوفناک مشاهده میشود . با اهالی دیروز بدول اروپا سخت شکایت در بلند نمودن نشان دولتی یونان در (کرید) نموده رعایای عثمانی را زیاد هرجان آورده . در (اتن) گمان میرود اقدامات جنگی دیده می شود

کم کم دارد مسئله (کرید) خوفناک میشود . با باغالی تصمیم عزم نموده زره ار حقوق خود را پایمال نگذارد ، و ار حکومت (یونان) خواسته که افسران قشون خود را ار (کرید) طلب نماید حکومت (یونان) جواب داده این مسئله راجع به دول محافظ (کرید) است که بر حسب رضای ایشان افسران یونانی فرستاده شده . مطنون است که اگر (یونان) خواهش باغالی را بپذیرد دولت عثمانی نا سحتی تمام احقای حق خود را خواهد نمود . شك دست که دسته چهارات جنگی عثمانی که فعلاً در جزائر (ریودس) مشمول مشق اند در جزیره (کرید) فرستاده خواهد شد . ولی لارم است که امیرالبحر (کابل) انگلیسی را در (ریودس) گذارد

من باب مسئله (کرید) در مملکت عثمانی اهالی خپلی متکرر اند . مطنون است که باغالی چهار رور دیگر استعار نموده سپس در رحمت افسران (یونان) سحتی اقدام خواهد کرد . حکومت یونان میگوید افسراییکه در (کرید) اند فعلاً شامل در مرس نظام یونان نیستند

با باغالی در جواب خط یونان سکاشته که اجوبه یونان تشی محش دست چه ادمینان از آن مطالب نداده که صورت آن بوده است برای بقای روابط دوستانه تمیل خواهشات عثمانی لازم است این خط به الماط خپلی خوش نوشته شده . و در آخر خط این جمله مسطور است هر قدر زودتر ممکن باشد جواب خواهان است ولی هیچ مدت برای جواب معن به نموده . سنیر یونان ار صدر اعظم عثمانی ملاقات نمود ، به او گفت که شما هم بدوات خود صلاح برای احرای مواد ضروری بدهید

تلگراف (کیندیا) مظهر است که درباره بلند نمودن نشان یونان در (اتن) مشهر نموده اند ، که یونانیان را لازم است از راه وطن خنک (هیلن) را غنایات نمایند تا دوباره جو

تصرف دول اروپا نه افتد وزارت کرید قونسلهای دول را آگاهانیده که آنها در مناقشات به آراء دول اروپا آماده کارروائی هستند ، ولی برای تسکین جوش و خروش رعایا مهلت در کار است

نی طلب نمودن اطمینان باجمالی از یونان کان پروتوکل من باب نمایندگان (یونان) در (مقدونیا) میباشد نه کرید

نی حکومت (کرید) مراسم متعهدالمضمونی بدول پیش نموده است که رعایا نشان (یونان) را از خود دفع نمی کنند ، وزراء مجلس ملی را امروز منعقد خواهند کرد و استعفا خواهند نمود ، دول محافظ (کرید) هر کدام یک جهاز جنگی روانه داشته اند و در تهیه روانگی جهاز دیگر هم هستند ، همینکه جهازات به (کرید) رسد نشان (یونان) را دفع خواهند کرد ، دول محافظ (کرید) به باجمالی نوشته که آنها نشان (یونان) را در (کرید) دفع خواهند نمود ، در این صورت باجمالی را لازم نیست که دسته جهازات جنگی و قشون بحری در (کرید) بفرستند ، بتازکی خلی از باجمالی در (آن) رسیده و مورث حیرت عمومی شده ، بعد از ورود این خط رئیس الوزرا و وزیر خارجه با سفرای دول ملاقات نمودند

نی در قاعه (کینیا) دهاتیان مسلح جمعیت کرده نشان (یونان) را محفوظ دارند ، تلگرافی از (کینیا) رسیده که قشون دهاتیان را جبراً از قلعه بیرون کرده و وعده نموده که نشان (یونان) را محافظت خواهند کرد

نی تلگرافی از (کینیا) رسیده که کمیته انتضای مخلب از اطاعت پادشاه (یونان) نبوده است

نی مخبر (روتو) از اسلامبول خبر میدهد که اهالی برخلاف دولت (یونان) استعمال اتمه یونان را ترك می نمایند ، سفرای دارند بر مسئله عثمانی و یونان تضرک و تدبیر می کنند و مخبره باوزراء دولتن جاری است فرما مکتوبی به باجمالی فرستاده و صلاح بصیر و سکون داده خواهد شد

نی تلگرافی از پاریس رسیده که رساله اعلان یافته که وزارت خارجه فرانسه مشغول است که اقدامی شود تا مسئله (کرید) موجب رفع امنیت اروپا بشود

نی تلگرافی (کینیا) ظاهر میدارد که جهازات جنگی متحده دول اروپا که مشمول از ۲ جهاز زره پوش و ۶ کشتی موشک است در آبای (کینیا) وارد و لنگر انداخته ، حسب درخواست امیرالبحر انگلیس که رئیس این دسته است قونسلهای دول حکومت (کرید) را آگاه کرده که امروز نشان (یونان) فرود آورده خواهد شد و قونسلات هم به حکومت اطلاع داده که اگر به سربازان دول اروپا که از جهازات ساحل فرود می آیند بپیچ نوع حمله شود نتیجه بسیار وخیم خواهد بخشید حکومت از رعایا خواهش کرده که برخلاف وای دول اروپا رفتار نه نمایند

نی بتازکی تلگرافی از (کینیا) رسیده که (یونانیان) امروز صبح به آهستگی نشان خود را فرود آوردند

نی کان می رود که دول اروپا درباره (کرید) سخت انتظام نمایند و از دولت عثمانی خواهش نموده اند که باز آید از سختی به یونان چه دولت یونان حرکتی بجا نموده و دولت یونان را خواهند فریاد از اینکه افسران قشونی او در کرید نمی توانند ماند

نی سفیر عثمانی مقیم (آن) از دولت یونان خواهش زمانی در خصوص ترك افسران یونان از (کرید) نموده و این را هم خواهش کرده که جواب این سؤال تا جائیکه ممکن است زود داده شود ورنه ترك تعلقات سیاسی را از یونان خواهد نمود

نی در میان دولتن عثمانی و یونان پنج روز بروز زیاد میشود و دول اروپا در این ماده تور مینماید ، در جواب سؤال باجمالی دولت یونان اظهار میدارد که فیصاه امور کرید بدست دول اروپا است ، و افسران یونانی که در (کرید) اند اسامی آنها از فهرست نهایی یونان در سنه ۱۹۰۶ خارج شده است ، در این باب خط به باجمالی هم امروز فرستاده خواهد شد

نی دولت آستریا حسب خواهش یونان در اسلامبول برای اصلاح واسطه شده است و قبایح جنگ عثمانی و یونان را مینماید

نی بطریق نیم رسمی در وینا بیان میشود اگرچه دول محافظ کرید در آینده حل مشکلات را خواهند کرد ولی این هم چوهم نیست که هو دولت در

مسئله صلح مداخلت بنامند ، دولت آلمان از (آن)
و اسلامبول خواهشمند صلح شده است

خلاصه برخی واقعات ایران

از اقتیاسات حرائد چیزیکه مزید برسکارشات سابقه ما
میباشد این است که پس از ورود سرداران ملی
بظهران و خلع محمد علی میرزا و نصب اعلیحضرت
سلطان احمد شاه حکومت شهر تبریز را بطامی نموده
و حکومت نظامی شهر را هم بمحضرت ستارخان
وا گذاردند و سپس این سردار جلیل ملی را رئیس
کل قشون آذربایجان برقرار داشتند و جناب مستطاب
قی زاده هم بظهران وارد شد

پایر از وقایع مکار مخصوص خود مینویسد که
انتظامات دولت جدید ایران قابل اطمینان است ،
خواهش ملت این است که درین دوره انتخابات
وکلائی مجلس مبعوثان افرادی باشد به طبقاتی ، ارین
رو بر طبق همان قانون انتخاباتیکه درین آخر محمد علی
میرزا مرتب داشته شروع بانخاب وکلاء شده ، جنب
تخصیص نموده اند که از هر صد هزار یک هر وکیل
انتخاب نمایند که جمله وکلاء یکصد و بیست نفر باشند
جز یهود و ارمنی و فارسی و کلدانی که هر یک
وکیل در مجلس خواهند داشت

حسرت مصمصام السلطنه در اصفهان امنیت کامل قائم
نموده و از اصفهان تا ظهران یزراه ها در کمال امنیت است
حکومت نظامی در طهران مشغول باستطاق مجرمین
میباشد و تا کون بیست نفر که منجمه میرزا اسماعیل
خان آجودان باشی باشد بکیفر اعمال خویش رسیده اند
تشکیل (در کتری) که در طهران شده دارای
بیست نفر عضو میباشد که سپهدار اعظم و سردار
اسعد هم در آن شامل اند اگرچه اعلان داده شده
که این (در کتری) موقتی است ولی مضمون است
که من بعد این (در کتری) تبدیل به مجلس اعیان
یا سنا بشود

ناصر الملک اینک در (سویس) میباشد و ملتیان
خیلی منتظر قدم ایشان هستند

از تشکیل (در کتری) تمام ایرانیان مسرور اند
و نیک نیتی سپهدار اعظم و سردار اسعد هم ارین
امر در قلوب عامه جای گزین گردیده است

مشاق و معلم برای تعلیمات قشونی ایران

از جمله مسائلی که خیلی در جراند موضوع بحث
و خیر ، بیت پیدا کرده تعیین افسران آلمانی است

در عوض افسران روسی ، اگرچه وزیر خارجه
انگلیستان بی اصلاحی خود را درین موضوع ظاهر
داشته است ولی شک نیست که بزرگترین امری که
امروز نقطه نظر رجال خیر خواه ایران را معطوف
داشته هم امر است ، چه ایران بلا شک محتاج بمشاق
و معلمین خارجی است و وعده قوطلرات مشاق روسی
هم تمام شده نیمی سی ساله مشاق و معلمین روسی
بر احدی پوشیده نیست دوباره تجدید قوطلرات آلمان هم
اندا مقرون بدرفه ایران نمیشد ، ولی عقیده ما این
است که استخدام مشاق و معلمین از آلمان خوب
است و نظر بر رقابت انگلیس و روس هم که ایران
را در فشار خود میخواهند خالی از منافع بلتیکی
نیست ، ولی چون عنقریب رسوخ و فوذ آلمان
در آسیا خیلی ترقی خواهد کرد همان خوفیکه از روس
و انگلیس است از آلمانهم دامن گیرمان خواهد گردید
امروز حس انتظام قشون سویس از هر جهت
فوق بر سایر دول اروپا دارد و خیلی هم مقرون
بصرفه و اقتصاد است و از رقابت دول هم درین
موضوع آسوده توایم بود و دوستی مان هم کافی السابق
با همسایگان برقرار خواهد ماند

در هر صورت تجدید قوطلرات معلمین روسی
جسم مقدس ایران را مسموم ساختن و استقلال سلطنت
را در مخاطره انداختن است

تلگرافات روتر راجع بایران

(۷ شعبان - ۲۴ آگست)

مخبر السلطنه فرما فرمای جدید آذربایجان وارد
تبریز گردید

جبل المتین

خدای را شکر که اهالی تبریز بهرام خویش
نائل گردیدند و حاکم قانونی مشروطه خواه با سیاست
و کیاست خود را که دست ظلم و استبداد از آنها
گرفته بود دوباره با منتهای شرف حاصل نمودند و
امیدواریم که این یگانه فاضل با سیاست قسی انتظامات
را قائم نماید که هیچ گونه بهانه برای همایه در
معاودت دادن قشون باقی نماند هیچ جای شبه نیست
تاجاییکه بهانه همایه راجع بقانون و انتظام باشد
جناب مخبر السلطنه از عهده خواهند برآمد ولی حفظ
امنیت مملکتی که سرحدش به دو دولت قوی چند
صد میل اتصال دارد بدون یک اردوی معظم محال
و ممتنع است و این امر بدون تأیید هیئت وزرا

داشته اند که در بجه میلی خارج شهر بروند و بقل
دوست نمی آید که هشت صد نفر باراده دزدی
حرکت کرده باشند، مسلم است اختلاف بین دو طایفه
و محلی بوده است و هیچ ربطی بخارج ندارد و
ببید نیست که صاحبان موصوف حایه از طرفی کرده
طرف دیگر آنها را محاصره نموده باشد، ورنه
این حضرات را کاری بآنجاها نیست، چرا باید
آنها خود را مخلوط یا طرفدار يك طایفه قرار دهند
و دولت و ملت را دوچار مشکلات سازند، گویا
این صاحبان میخواهند باین بهانه جا مهتری برای دولت
خود گذارده عملی دائره نفوذ خویش را از روی
مأمده با روس بر عالیشان بنمایند، بهر حال تلگرافات
مخصوصیکه بهند رسیده ورود مستر جرو ریت را سالم
بکرمان ظاهر مبدارد ولی دولت نباید ابدأ غفلت نماید
نکته پلنگی هم درین میانها میتواند درکار باشد
یعنی حسن انتظام سلطنت ملی ایران و برقراری
امنیت را در جمیع نقاط و رسیدن حکام قانونی بکری
ایالات یا نزدیک شدن آنها ابواب بهانه را بر همسایگان
بسته و بر حسب قرارداد های رسمی خودشان
موقع آن رسیده که قشون خود را طلب بنمایند، حالا
میخواهند باین بهانه چند روزی دیگر زبان ملت
و دولت ایران را کنند سازند

ولی ما امیدواریم که هیئت وزرا ازین و بعد
قسمی فرمایند که ابواب بهانه حوث خارج مسدود
گردد اقلاً تا وقتی برخی مراکز تحت انتظام هیچ
نیامده و قوای دولت کاملاً عود نکرده حدودی
برای سیر و تفریح خارج معین فرمایند، و در
مقاماتیکه حای خطر است رعایای خارج را منع از
آمدنشان نمایند، درست اگر تصور شود درجه آزادی
اروپائیان در ایران از ممالک قانونی خودشان هم پیش است

❖ ایضاً ❖

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که حکومت
جدید ایران منها درجه محتاج بوجه است، هیچ
شبهه نیست که اقدام امنیت را در نهایت خوبی
نموده اند و حسن سلوک قشون ملی و بختباریان
مورث امیدواری عمومی گردیده، ولی این حسن
انتظام در صورتی باقی تواند ماند که دولت از عهده
ادای مواجب آنها بر آید و ظاهراً هم مشکل است که بدون
آغاز روس و انگلستان برای ایران استقامت حاصل گردد

غیر ممکن است، آذربایجان باید دارای اردوئی که
ده هزار قشون مسلح داشته باشد هماره موجود
باشد، حالا دیگر آن دوره نیست سکه بدو که
تلگراف و چهار قاش آب نکشیده مملکت را بتوان
امن نمود خارجه که دندانهای ما را از دیر باز شمرده
بودند. این دوره داخله هم شمرده، امنیت بدون قوه قاهره
نقش بر آب است اهالی يك مملکت را تحت قانون
آوردن بدون قوه قاهره محال است خصوصاً مملکتی
که حسن نفوس ایالات و بادیه نشین باشند
بهارك میگوید « در متدین ترین ملل هم قانون
تازه را باید با سر نیزه بخلق آنها فرو برد »
از کلمات اوست که هر چه در قوای جنکی کوشش
شود در امنیت کوشش شده است »

غرض این است که هرگاه ما امنیت آذربایجان
را خواستگار باشیم باید هماره يك اردوی منظمی که
اقلاً ده هزار باشد مهیا داریم، نه مثال سابق
که فقط باسم بجه شصت هزار قشون آذربایجان را
از هر جهت قلم داد میکردند ولی در موقع مدافعه
از چهار نفر کرد عاجز بودیم
ما هم قدم مبدون جناب مخبر السلطنه را بکری
فرمانفرمان آذربایجان تبریک و تهنیت میگوئیم
(۸ شعبان - ۱۵ آگست)

وقایع نکار (طمس) لندن از طهران تلگرافاً
خبر میدهد که (مستر ریس) رئیس بنک شاهنشاهی
(مستر جیس) رئیس تلگرافخانه انگلیس در بجه
بیلی کرمان در خطراند، مشتصد فقر دزدان مرکزی
که آنها توقف داشته محاصره نموده اند رعایا هم در
آنجا بنه گزین اند، بر حسب رپورت فونسل کرمان
مالت آنها خیلی خطرناک است، سفیر انگلیس مقیم
لهران وزیر داخله را از خطرات (مستر ریت)
(مستر جیس) آگاهانیده است

وزارت خارجه انگلستان اظهار داشته سکه
سربی - اچ - بارگای (سفیر انگلیس مقیم
هران تدارکات کافی نموده که کک به (مستر ریت و
س) برساند و آنها را نجات دهد

❖ جبل المین ❖

چگونگی این تلگراف و حقیقت واقعه کاملاً معلوم
نستو نمیدانیم در مملکتی بر آشوب بی حکومت در عن
ن تبدیلات عظیمه رئیس بنک و تلگراف چه کار

خالی بودن خزینة ایران هیچ محتاج به بیان نیست از ایام ناصرالدین شاه خزانه ایران خالی بوده و شك نیست که گرداندن ادارات از روی صحت وجه میخواید ولی از طرف دیگر هم باید ملاحظه مضار استقراض را درین موقع و آنگی از روس و انگلیس نمود ، مسلم است دولت ایران محتاج بیک استقراض عمده هست و برای اصلاحات لازمه باید استقراض بکند ولی هرگاه بنگ ملی داب و سر و صورتی بدون استقراض با ادارات داده شود آنوقت میتواند قرض با شرف به نماید و در آن صورت دست بسته روس و انگلیس نخواهیم بود ، و اگر امروز با کمال دست پاچی و شتاب استقراض شود با شرایطی بسیار زشت که بزرگترین سد ترقی ما باشد مجبوریم که از دولتیروس و انگلیس بگیریم و نفوذ و استیلای ایران بر باد کس آنها را یک بر صد زیاد نمایم ظاهر است که دولتیروس و انگلیس و روس بخیالات عالی پلنتیکی که در سر دارند از دیرباز سعی بوده اند که توام بیک قرضی بخلق ایران بریزند و این قدر گربه های سیاسی درین موضوع برای ما رقصانند که طشتشان از بام افتاده و تمام کوشش شان بر این بوده که در حالت مجبوری با شرایط بسیار سنگین که دست و پای ما را به بندد این قرض توام را بایران بقبولاند ، بعقیده بعضی از سیاسیون یکی از اسباب برهم خوردن مجلس آن بود که استقراض توام روس و انگلیس را با آن شرایط منحوسه نه پذیرفت مسلم است سرداران ملی در عیاب مجلس هرگز زیر بار قرضی که مای نیک نامی آنهاست نخواهند رفت و مجلس هم باین زودی زیر بار استقراض اجانب خصوصاً از روس و انگلیس نخواهد رفت و یقیناً چند ماه طول خواهد کشید و بکارها سر و صورتی خواهند داد و شاوذه بنگ ملی را خواهند گذارد و اداره بطای را باندازه ضرورت مرتب خواهند کرد و امید است از وجوه مالیات و کمرکات و غیره فعلاً باندازه ضرورت عاید گردد

وظیفه هیئت وزرا این است که تا شش ماه مصارف فضول و مواجبهای بی جا را مانند این سه چهار ساله بحال خود گذارد و آنچه از کمرکات و مالیات و غیره عاید گردد در وجه قشون و حفظ

امنیت و برقراری ادارات صرف نمایند ، بقول دیگر از دانایان هرگاه انتظام در کار باشد و شش ماه صرف نظر از مواجبهای غیر ضروری شود میتوان هرماهه مواجب قشون ایران را مرتب پرداخت

و ما هرگز گمان نمیکنیم که سرداران ملی و ملت ایران و امرای ذی اقتدار با ثروت امروز رضا با استقراض یعنی عبودیت خود از اجاب دهند بدون شبه ثروت در ایران این قدر هست که برای این جزئیات محتاج با استقراض از خارجه بشوند. سابق گفته می شده که بواسطه استبداد اعتماد بدوات نداریم امروز که بحمدالله ریشه استبداد خشکیده احدی را عندرمسوع نیست ، امرا و ارباب یسار ایران با کمال اطمینان میتوانند برای گردیدن اداره این جزئی وجه را قرض بدوات بدهند و یا باعتبارات شخصی از بنگهای خارجه استقراض نمایند ، و کمان نداریم که حضرات آیات الله هم درین موقع رضا با استقراض از خارجه دهند ، و آنگی توام از روس و انگلیس ، بعقیده ما اگر امروز ملت گرسنه بجاواید باید در حمایت استقلال خود سعی نموده نگذارد دوات محتاج باین استقراض شود و بدون شبهه ماترما خواهد داد که استقراض از خارجه بشود ولو مالیات آنها مضاعف گردد (۱۰ شعبان - ۲۷ آگست)

در حرکت محمدعلی میرزا از ایران بواسطه مناقشه که در ماده قیمت املاک شخصی او در میان آمده معوق مانده است

جبل المتین

انسوس که جوانی کار او را با نیجا کشانیده و هنوز هم دست بردار نیست ، بر ملت که ترحم نمیاید سهل است بر فرزند خویش هم رحم نمیکنند (جبل ازین بسیار کرده است و کند)

(۱۱ شعبان - ۲۸ آگست)

در مخبر روتر از طهران خبر میدهد که دولت قانون سختی در فروش تریاک جاری داشته و ازین قانون ظاهر می شود که کلیه میخوامند استعمال تریاک را موقوف دارند ، و کشیدن تریاک را سبب عتب اوقفاند ایرانیان ظاهر نمودماند (ما رأی و عقیده خودمان را درین اقدام خدا پسندانه حکومت تازه که حیات بخش ایرانیانش باید گنت در آینده خواهیم نکاشت)

تاریخ انتشار: ۱۳۰۳/۱۰/۱۰
شماره: ۱۰۹۳

المبتدیان

پت نمبر ۴
HABBLUL
I MEDICAL
CA
داره ما
اسلام است

(شعبه اشتراك)
سالانه - سس ماهه
(هدیه و ربه)
(۱۲ رويه - ۷ رو ۹)
(ایران و افغانستان)
(۴۰ قران - ۲۵ قران)

حضرت اشرف امجد العالم عالی (عالی قیامت) سردار احمد ورو دادله ایران دامت شوکتہ المذنبی



اعظم فرزندان سامان - ارشد اولاد ایران - آنکه تازه بان قوت و جوان مردی - خداوند حرم - حامی الاسلام
 این یگانه وصی حواد عبود از فامیل حلیل و خاندان سنی پهناری است که با آخرین خون ایرانیان در هرومیشان بدوران یعنی شیل فحیم
 در پشته شجاعت - جوهر مردمی و قوت - پشت و سه - مصوی این مرخوه عد ان مان حسین علی خان شجند است (که به گناه شجاعت و
 اجت و حالات و مردانگی به اراده خود یا حکم دربراندش شده عن حسامتش و اصمیان به قرب و خدعه شیروار بر رخصت آورده خادعانه اس
 شجید - و در حقیقت برای مسمی یکه ملکتی را مایود کرده - سبب - ان ر مدخل ساخت)
 این راد مرد عبود فاطمی فی هدیل و دانی فی بصیر است که با سون از وکیل حلیل با شجاعت پهناری چنین نگاه دانشمندی حلوه
 ظهور جوده - از آثار مساوت در سید رست معلمی دانشمند بعد و علاوه بر ان مان قرب - زبان فرانسه را در در دبل آموزش معلمی
 ما هر نیکو آموخته و قسمی مبادرت حاصل کرد که با کمال شجری - بی زمانه جان فصد از فرانسه عازمی رجه کرد - ان یادگار
 باستان از حسن رست هاره از اوساع اسرار مند و و ازس وو پهپاه چو با حاره دو - مکرر اروپا رجه حصه از حان
 مایه را در کسب تخرسات در فرانسه صرف فرمود
 همیشه قوای استبداد در مقابل شجاعتی بربر محمول و - کوب کر د سرانجام چره را در وکیل پهناریش حسنه وعدهای عربوی
 مفسد و حکومت و عهده از پارسی خواسته با ایلی خلیل خنداری را د معان حقوق طمان تحریر برانکه د - به با حضرتش در
 دار این سک ملت کشی تاریخی رفته بلکه از یکطرف - من انلی تعیری را این دمنعه آورده ساخت و خط مخصوصی (که سوادش در اداره
 موجود است) با بعضی ابانق نوشته ادمنای پهناری خود دد و از طرف دیگر تکه دانشمند عبور سالار حسمت را از پارسی مانل چایل
 خنداری کسبیل داشته که هم از دسایس دولتمندان ساکاهاند و هم ان را در اسراراد حقوق ملنه بر سکراند
 تا اینکه سپین برادر وال کمر شان حضرت مصمم السلطنه با سرداد حقوق ملی در مردانگی علم و اصمیان را قنصه فرمود - دولتمندان
 همیشه کار را بدین سوال دیدند بوهد و عهد اسلاف در رؤسا و جوانی پهناری انداخته ردهک بود حانه حکمی عصیم درس طایفه خلیل
 پیش آید و دولتمندان را کار نکام کرده - این بود که حضرتش سرعبانه از پاریس با حضرت اجل محمد حافظان و حجاب اجل آقا مریدی ملی حان حان
 خلیل حضرت اشرفی مصمم السلطنه طریق عسکی و عجره عارم ایران گردیده و بمجرد ورود عجره بعهدت حضرت اجل سردار ارفیم دلکرافا
 اسراراد حقوق ملی را از دربار حوامسکار شدند - چون درامل خلیل پهناری رسیده و دیدند دست استبداد اختلافات عسسه درمیان رؤسا
 و سرداران بار آورده با تمام قوت و مستحای دانش در دفع اختلافات کوشیده صمناً هم نقشه حرکت بطهران را با حضرت اشرفی پهناریهم
 تصلیه و از آن بعد با کمال قوت قلب و امینان خاطر حرکت مصاب تم و طهران فرموده با حضرت سپدار اعظم ملحق و وام وارد
 ماهران شدند - که هر یکه از اقدامات جهات بعضی حدبا پسندانه شان را در مقام خود شرح داده ایم
 حقوق این راد مره بزرگ بلکه و ملت و وطن عزیز خود شان - با اداره است که قلم ما او عهده پیش بر آید - چه اگر
 نبود عت و الای این وجود عترتم بدین سهولت و اسلوب نیکو کارها و وفای مرام انعام نیکو رفت و ممکن بود استقلال ایران را خطری
 خلیل پهناری آید - پس برده این نامه ملی است از جانب ملت محبوب خود تشکرات صمیمانه به پیشگاه حضرتش تقدیم نموده اردرون

قومیت ایران را باید درست کرد

رموز دانان مزایای ترقی را عقیده این است که تشکیل قومیت از ارتباط و اتحاد ارکان اربعه (دیانت - لغت - عادت - و فکر) آحاد می شود ، استقلال هر ملت منوط به استحکام روابط اتحادیه رکن اربعه قومیت آنهاست ، هر ملت ولو شردمه نلیل که در تکمیل اتحاد ارکان اربعه قومیت خود کوشیده هماره استقلال خویش را قائم داشته است ، گر چه هر يك ازین ارکان اربعه بالانفراد هم زقیات تاریخی در يك گروه پیدا نموده ولی نبات و قوامی نداشته و زوال ناپذیر نمی شود

مگر هر ملت که در تکمیل قوامی چهار ارکانه قومیت خود کوشید با اتفاق ارباب تاریخ استقلالش زوال ناپذیر گردیده ، مملکت جسیم و ملت عظیم چین را چون استحکام در ارکان اربعه قومیت دیده نمی شود ادله زوال نسبت بقوام و استقلالش قوی تر بنظر می آید ، ولی يك مشت تراسوایان با آن که مکرر به طوفانهای سخت تصادم نموده چون ارکان اربعه قومیت شان مکمل بود استقلال خویش را از دست ندادند -

به عقیده دانایان ، ایران در صورت استقلال خلال ناپذیر حاصل خواهد نمود که ارکان اربعه قومیت خویش را برشوده محکم گذارده - اگرچه تعبیرات خنک بعضی هوا پرستان در مذهب ایرانیان نیز تصرفات بسیار شده ولی باز هم به عقیده سید اسبیون آنچه تاکنون استقلال ایران را از زوال محفوظ داشته همان اتحاد مذهبی است ، چنانچه درین انقلاب اخیر نجات ایران را سبب شد مگر اتحاد مذهب که یکی از آن ارکان اربعه قومیت است

نظر بر اینکه ارکان ثلاثه قومیت ما بعضی ناقص و برخی معدوم است نمیتوان گفت تا کی فقط يك رکن مذهب بتواند استقلال ما را محفوظ دارد ، خصوصاً درین دوره که از خارج و داخل سالی در انهدام این رکن رکن هم هستند ، شبهه نیست که بدون استحکام ارکان ثلاثه این رکن قومیت هم تا دیر باز خلل ناپذیر نتواند ماند و بسا اثر تاریخی برای عبرت ما کافی تواند بود

اتحاد لغت که بزرگترین اساس قومیت شناخته

نیاید ، يك حصه مملکت به ترکی تکلم میکنند ، حصه دیگر عربی میگویند ، و حصص بسیار هم زبان مخصوص برای خود حاصل نمودند که قطباً از نتایج اتحاد لغت که بعبارت ساده تبادل افکار قومی است تا درجه محروم اند ، همین قسم است شاورده عادات در ایران که با آنچه نتایج مستحصه که در استقلال قومیت دارد در ایرانیان روز افزون رو به تباین است ، و میتوان گفت امروزه اتحاد عادات را در ایران بهیچ وجهی بر استقلال نتوان پنداشت ، اما اتحاد افکار که اعلام ارکان استقلالیه قومیت شناخته شده در ایرانیان ابداً وجود ندارد ، چون شرح این بیانات وظیفه فلاسفه ملت است باچار ما درین موقع از بسط کلام صرف نظر می نمایم

حکای این دوره فقط يك نکته برای تکمیل ارکان اربعه قومیت پیدا کرده و همان را تعقیب مینمایند ، و آن تعلیم اجباری افراد ملت است (وولتر) فرانسوی میگوید « بدون تعلیم آحاد يك قوم نه زبان و مذهب و عادات آنها را از تصرفات مصئون نتواند ماند و نه افکار آن قوم وحدت حاصل خواهد نمود » (شکسپیر) انگلیسی میگوید « زبان مادر اقوام ، عادات پدر مذهب دایه ، و افکار صربی آنها ، و حافظ این چهار تعلیم آحاد بيك سیاق است » يك از حکای با سیاست میگوید « به ان قومیت را زبان زمین - عادات دیوار و مذهب سقف ، اتحاد افکار باب و تعلیمات ارادی حصار است » از این مقدمه محوی دامن گردید که استقلال ملت ایران منوط به استحکام ارکان اربعه قومیت است ، و استحکام ارکان اربعه قومیت ما جز به تعلیم عمومی و اجباری صورت نه بندد ، پس هرگاه خیر خواهان ایران استقلال این مملکت اسلامی را خواستکارند قبل از هر اصلاح ملی و پیش از هر اقدام ملکی باید در ترتیب قانون تعلیم اجباری و اجرای آن در تمام مملکت حتی در زوایای بلوچستان و کوهستان و لرستان و کردستان بدون استثنا نمایند ، اتحاد افکار و لغت و عادات و مذهب در ایران حاصل نتواند گردید و آنچه نیز موجود است قائم نتواند ماند مگر در سایه تعلیم عمومی که آنها اجباری باشد ، اگر ایرانیان در استحکام قومیت خود نکوشند

دانشان رموز می‌داند که تا کنون آنچه اختلاف
مذهب در ایران پیدا شده همه مبنی بر عدم تعلیم
ملت بوده یعنی یکتفر شیاد هوا پرست برنخوسحان
عوام فریب دزدیده عوام جاهل را از راه بدر
برده است اگر آحاد و افراد ایران تعلیم یافته بودند
یک نفر شیخ فضل الله یا صد نفر مانند او می‌توانستند
بروای نفس منروطه و استبداد را لباس مذهبی بوشانده
یک مملکت بزرگ را بحاکم سیاه به نشاند، شیخ فضل الله
نویس در هر قوم و هر وقت هماره بوده و خواهد بود
باید فکر باطل السحر آنها را نمود و باصل السحرشان
همان تعلیمات اجباری عمومی است و این

پس از آنکه اسان رسمی ایران در مدارس
عمومی به آحاد ملت تعلیم شود ده سال نه کشد که
اتحاد لغت که رکن رکن استقلال قومیت شناخته
شده از این سر تا آن سر ایران را کاملاً احاطه
نماید در سایه تعلیمات عمومی که بیک نسق داده شود
هم عادات مذهبیه ملی اصلاح می پذیرد و هم تمام
ایرانیان متحدانه عادت میگردند، همین رسم است
افکار که اس اساس قومیت است، تا وقتی که در
یک ملت تعلیمات عمومی اجباری نباشد ممکن نیست
صورت انجام پذیرد و تا زمانی که اتحاد افکار در یک
ملت پیدا نشود حافظ قومیت خویش نتواند بود و
هیچ عمل عمده و بزرگ عمومی از آنها سر نتواند برد
باز تکرار نموده میگویم که اول وظیفه ارباب
حل و عقد ایران این است که هر وسیله زود تر
امکان پذیرد قوانین تعلیمات اجباری را در ایران
مرتب و جاری دارند

اگر بدقت ملاحظه شود نظر باحتیاجات کنونی
ایران وزارت معارف اعظم وزارتها و حیات ملی ما
بسته بداش و سیاست اعضای اوست و نباید مانند
دوره اولیه تمام کار وزارت معارف بحرف بگذرد و
وظیفه او فقط منحصر بریاست مدرسه دارالانئون باشد،
چه ازین و بعد ما صد ها مدرسه بهتر و بالا تر از
دارالانئون لازم داریم لذا میگوئیم که توجه ملت و
مجلس مقدس و هیئت وزرا بوزارت علوم که حیات
و علت مملکت و ملت بسته بحسن انتظام و اداره آن
است باید پیش از سایر وزارت خنیا مطوف باشد
وزارت علوم و معارف باید دارای چندین قسم
الاعضا از جوانی و افتخاری بخارجی و داخلی باشد

شبه وزارت علوم و معارف باید در جمیع بلاد سربطاً
داثر گردد، چون وزارت علوم و معارف بیشتر از
سایر وزارتها در ایران کار دارد نباید مشاغل دیگر
مثل وزارت فوائد عامه شامل آن شود

بدون هیچ تردید وزارت علوم و معارف محتاج
بجلب يك معاون خارجی است که تجربه کامل در ترتیب
گردندن این وزارت داشته باشد وزارت علوم بحاس
علمیه میجواید . اداره ترجمه میجواید ، انضای
قانونی لازم دارد ، کتابخانه میجواید و چون
کارهای ملی ایران هنوز تحت ترتیب و انتظام نیامده
میگوئیم مطالعه صحیح هم لازم دارد

کتاب تعلیمی هر طبقه از مدارس ایران باید
یکی باشد . قانون داخلی و تعطیلات رسمی تمام مدارس
باید یک سیاه باشد، حتی وضع تعلیم و ساعات تعلیم
و طریق امتحان و مدت تحصیل در هر درجه و
مدرسه باید یک و طیره اتخاذ شود ، فقط ترجمه قوانین
وزارت علوم فرانس یا انگلیس برای ایران بکار
نی آید . باید قانون بر طبق هیئت مملکت وضع نمود
فقط ترجمه قوانین خارجه مؤید خیالی و راه نهای
مقتنن تواند بود ، هرگاه چنین شد آنوقت میتوان
اطمینان کرد که افکار و عادات و زبان ملی
ایران که استقلال قومیت منوط بر آن است قائم
مانده و ترقی تواند کرد، هر قدر امروز از روی
صحت وقاعده در وزارت علوم کار شود بر استقلال
قومیت ایران بیشتر امیدوار توانیم شد

تا کنون حتی در دوره مشروطیت هم نمیتوانیم
گفت ما وزارت علوم داشته ایم، این رو در هیچ
کابینه کوشش نشده که شخصی مناسب این عهده حلیل
پیدا کرده این وزارت را باو بسپارند ، شك نیست که
جناب صنیع الدوله برای وزارت علوم مناسب دارند
بدو شرط . اول اینکه وزارتخانه صحیح چنانچه عرض
کردیم مرتب با بودجه و اعضای کافی و معاون
خارجی داشته باشند . دوم اینکه وزارت فوائد عامه را
از وزارت علوم تجزیه نماید ولو اینکه جناب صنیع
الدوله در هر دو وزارت لایق و قابل باشند ، ولی
این دو وزارت بی ترتیب که جز نام وجود خارجی
تا کنون در ایران نداشته باندازه مهم و کار دارد
که محال است یکتفر ولو الاطون باشد از عهده این
دو وزارت بر آید . مگر اینکه نخواهد که کند

و مانند سابق باسم قناعتی نمایم

امیدواریم هیئت وزراء ملاحظه ترتیب و قانون وزارت علوم و معارف و بودجه و اعضای آن را از خارج و داخل قسماً بفرماید که هرکس وزیر شود از عهدۀ وظائف خود بتواند بیرون آید اگرچه ما در اصول تعلیم سابقاً مقالات زیاد نکاشته ایم ولی چون این مسئله کمال اهمیت را دارد ناچار در آتی باز تکرار خواهیم نمود چه استقلال در دستگی قومیت برقرار تواند ماند و قومیت در سایه تعلیم و حسن تعلیمات ملی هم بسنه محس اداره وزارت علوم است

ترجمه پانزدهم ۱۸ شعبان

اشد ضروریات ایران در جنوب شرقی این است که شهر کرمان و راه کاروان او را از دزدان محفوظ دارند چه بلوچیان و سایر حقیقتاً اختیاراتشان از دست حکومت بیرون رفته و حکام محلی هم در جلوگیری آنها نا قابل و بی اقتدار حاکم گردیده اند و همینکه داستند کسی از آنها نمیتواند جلوگیری نماید حتماً وارد شهر خواهند شد و خراب بسیار بار خواهند آورد. دولت جدید ایران هم بواسطه حالی بودن خزینۀ سرعاً از انجام این گونه امور ناچار است اصلاح حال تمام قشون ایران لازم است ولی فعلاً قشونی که دارند باید مرتب و منظم نموده در مقامات مهمه کانت، بلوچستان ایران ابداً امنیت ندارد، حکام هم دست روی دست نهاده تماشا میکنند، در انجام و اصلاح قشون مدبر دارد البته مدتی میخواهد ولی چاره ندارند جز اینکه برای اصلاحات فوری از قشون موجوده کار بگیرند تا در پیشرفت کارها عاقبتی پیش نیاید

لذا مناسب خواهد بود که فعلاً قشون موجوده را با سلاح تازه مسلح داشته و تحت امر افسران انگلیسی مشق تسلطی بآنها بیاموزند چند افسران انگلیسی و چند افسران هندی برای تعلیم و تربیت قشون فارس و کرمان و بلوچستان کان تصور میشود و سریعاً میتواند رفع انقلابات را به نماید

جبل المدين

درد و مرض ارجحه آخری این عنوان حاضر گردید یعنی افسران انگلیسی برای ترتیب قشون فارس و کرمان. امروزه روس و انگلیس تمام همشان در اجرای

نقشه معاهده بن خودشان است تمام این هیاهو و اشتیاقات پلیدی است ایرانیها هم ملتفت هستند و مضرات لیاکوف را فراموش نکرده اند، حرکات انگلیسان در جنوب و جنوب شرقی ایران سبب و بهانه عمده برای قیام قشون روس در شمال و شمال غربی گردیده است

انتظام حیات بخش ایران

از تلگرافات طهران چنان مستفاد می شود که ارباب حل و عقد ایران اولین اقدام حیات بخشی که فرموده اند در ترك استعمال تریاک است، هفده سال میباشد که نامه جبل المدين درین موضوع بحث نموده و مصارعی او را محسوس تر ولی ابداً مؤثر واقع نمیکردید، چگونه مؤثر واقع شود در حالیکه راتقین و فائقین مملکت احدی بفکر ملت و دولت نبود بلا شبهه یکی از اسباب پستی ایران استعمال تریاک بوده است استقلال ایران هماره در سایه شجاعت ایلات جلیل بوده و کم کم این مرض مسری بآنها هم سرایت نموده است چقدر مایه مسرت و تشکر ماست که درین آغاز انتظام اولیای امور جمهور باین اراده اتاده و جدا در صدد انجام آن برآمدند

ناید داست که تریاک یکی از امتعه تجارتی معتبر ایران است ترك زراعت آن مسلماً بحال ملك و ملت نافع نیست اگرچه رفته رفته زراعت تریاک طبعاً از عالم کم خواهد شد ولی چون تریاک ایران برای کشیدن جوهر و ادویه بهتر است از تریاک سایر جاها، هرگاه دست قلب از آن قطع شود یقیناً رواج این مناع تجارتی ما فزونی گیرد نه کمی تریاک ایران باید زراعت و فروشش تحت نگرانی حکومت بر حسب قانون مخصوص باشد، تجار برای خارجه هم که میفرستند از اداره حکومت خریدند و تا وقتی که از گدرك ایران خارج نشود بتبضه آنها نباید داد، فوائد این امر بسیار است

(۱) استعمال تریاک در داخله معلوم و محدود شده روز بروز از نده تریاکیان خواهد کاست آنها به دو سبب، یکی از سخت گیری حکومت، دیگر گران آن، در حقیقت یکی از اسباب عمده رواج تریاک ایران ارزانی اوست، درست اگر ملاحظه شود در هیچ نقطه مانند ایران تریاک ارزان نیست و قلت استعمال تریاک در ایران منافع مادی و معنوی از حد بیان خارج است

ترجمه از روزنامه پیر

وقایع نکار اخبار مذکور از طهران مینویسد -
 که در قلوب اهالی چنین جای گرفته است که دولت
 انگلیس دسته قشونی که بشیراز فرستاده بدون هیچ
 گونه ضرورت و لوم بود - چه صولت الدوله رئیس
 قشائی به قوسل دولت مشارالها اطمینان داده و
 ضمانت مال و جان رعایای خارجه را نموده بود -
 عقیده ایرانیان این است که حرکت دولت انگلیس
 مرید بهانه روسیان در امتداد قیام قشون خود
 گردیده است

ارجله مسائیکه در طهران موضوع بحث ارباب
 حل و عقد است یکی هم تعمیر راه آهن میباشد
 که بدون امتیاز و شرکت بخارجه دولت و ملت
 خود اقدام نماید

حالت مالیه دولت جدید خوب نیست ولی ار
 ارباب عود در انتظام آن مشغولند - تمام توجه
 رؤسای ملت و دولت در فراهم آوردن مصارف
 ادارات است و کمان شان این است که چون
 دو سال مالیات رهن است از وصول آن کارها را
 تحت انتعام توامد آورد و چنان می پندارند که اگر
 مالیات دو ساله وصول شود کافی از مصارف کنونی
 دولت میباشد - ایرانیان قلباً متنفر از استقراض
 خارجه اند - عقیده عامه این است که فعلاً ضروریات
 را در خود ایران باید تدارک نمود - برخی هم
 هوادار استقراض از خارجه دیده می شوند و
 استقراض دولت جدید عثمانی را دلیل می آورند

آنجیه گفته می شود که قشون کمونی ایران
 بواسطه بیافس مواج دست از خدمت خواهند
 کشید مقرون بصواب نیست - چه بیشتر شان قشون
 تملی و داؤ طلباند که همه از خود صاحب ملک
 و ثروت و آسوده هتند

حکومت جدید ایران

فرستادن انگلیس یک دسته قشون مختصر بشیراز
 که اگر موقع بارش آید از حط خودشان
 هم عاجزاند علی مبی رحایه روس است ، چه این
 حرکت حل بدون ضرورت مرید جسارت روس
 گردیده اگر انگلیس این دسته قشون را فرستاده
 بود قطع اقدامات ایرانیان منحصر بروس بود ، انک

(۲) یکی از شعب عمده دخل مملکت برای دولت
 خواهد شد چنانچه در هندوستان است بعد از چند
 شبه بزرگترین دخل حکومت هند از تریاک است چه
 هم زراعت و هم فروشش در داخله هند با اختیار
 حکومت است و تریاک را حکومت در کارخانه و
 اداره مخصوص ترتیب داده و سالانه قرب سدهزار
 صندوق بخارجه حمل می کند ، من جمله مرکز
 فروش تریاک هند کلکته است که هر ماه اضافه
 بر چهار هزار صندوق هراج و تجاری می خرید ولی
 تاوقتی که از گمرک خارج نشود بقبضه تجار داده
 نمی شود ، گویا صندوقی باصد روپیه از هر جهت
 برای حکومت تمام و در هراج از هزار و هتصد
 الی هزار و سیصد به تفاوت وقت فروش می شود ،
 ازین میزان میتوان تخمین بدست آورد که دخل
 حکومت هند از انحصار فروش تریاک چه قدر است ،
 عقیده بسیاری از ارباب خبرت این است که اگر
 حکومت ایران تریاک را تحت انتعام صحیح و انحصار
 آرد یکی از شعب عمده دخل دولت خواهد شد ،
 لطاف این است که در هر شعبه دخل دولت ملحوظ
 آید بنا بظاهر مضر بملت است ، مگر این دخل که
 سر تا باضع ملک و ملت میباشد

(۳) همین که تریاک تحت انحصار آمد رواجش
 در خارجه بک برده افزون میگردد ، عمده واخوردن
 تریاک ایران در خارجه با آنچه محسنات بواسطه
 دست نقلی است که تصرف در او مینماید ، امروز
 تریاک هند در چن اگر هزار دالر فروش رود
 تریاک ایران هفتصد دالر فروش خواهد شد ایراسیا
 بسکه قلب درین جنس نموده اند ولو اینکه تریاک
 خالص هم بفرستند بدنام و نامرغوب است ، و حال
 آنکه باهاتق ارباب خبرت تریاک ایران هیچ سبب
 به تریاک هند ندارد

حکومت جدید ایران اگر بخواهد این عمر
 لم خود مانده برگردد و هم بملک و ملت فائده رساند
 آید در انجام این امر ترتیب قانون و تشکیل یک
 دارة صحیح بدهد چنانچه حکومت هند در هندوستان
 نوده ، ما منتظریم که مفصلاً از خیالات دولت
 اقب شده آنوقت شرحی در تشکیل این اداره
 بروی اصول مروجه حکومت هند بنویسیم و قوانین

حرکت موجب قوت قلب روس و مزید مدت اقامت قشون وی در ایران گردید ، دانایان رموز پلنیک میدانند که انگلیس درین حرکت متبها درجه قوت پلنیک را روس دادند و لکه بر محبوب اقلوبی خود در ایران وارد آوردند

اما حالیه ایران - بدون شبهه ایران استقراض باید کند ولی کی و از کجا محل تأمل است ، ایرانیان قبل از انجام سه امر نام قرض را نباید بزبان آرند اول امنیت امتدادی - چه بعقیده اروپائیان فعلاً امنیت ایران بحرانی است

دوم سر و صورت دادن با دارجات و وزارت خانه ها که اشد ضرورت است

سوم تشکیل بنگ ملی - هرگاه دولت جدید ایران بدون استقراض موفق بر این امور شد از هر جا و هر قدر بخوانند میتوانند با منتهای شرف و استقلال استقراض نمایند

و هرگاه از روی صحت اقدام شود و رؤسای روحانی و امنای ملت و دولت همت بگمارند انجام این سه امر دشوار نیست ، چه مبلغی سنگینت از مالیات باقی است باید به بردازند و همین مبلغ هرگاه بر طبق دیانت حکام وصول و ایصال فرمایند برای امتداد امنیت و سر و صورت دادن اداره جات کان تصور می شود ، این مسئله هم خیلی قابل دقت است که در وصول نمودن مالیات دو سه الیه اسباب زحمت و نذرت رعایا واقع نگردد

در تشکیل بنگ تا کید مقام منبع ریاست روحانی اسلام و هم ارباب یسار در کار است که مورث اطمینان قلوب مه گردد ، بارها نوشته ام که ملت ایران تا کون بایک حیثت صادق تصادف نه بوده که فدا کاری خویش را در طریق وطن خواهی اطهار دارد و بعقیده ما ثروت بانداژه تا کنون در ایران مانده که بتواند این امور جزئیه را انجام دهد و فرض هم که ضرورت بسی دای گردید که مجبور باستقراض شدند موقتاً باستقراض شخصی نه دولتی انجام کار تواند داد و هرگاه آنها ممکن شد کوشش در استقراض بین المللی شود ، این گونه استقراض اگرچه الی از بعضی مضرات نیست ولی تا درجه حافظ استقلال ایران هم تواند گردید ، در هر صورت استقراض از روس و انگلیس توام تیشه بر ریشه

استقلال ایران زدن و جسم مقدس وطن عزیز را مسوم ساختن است ، از وقتی که گنگوی اتحاد بین روس و انگلیس شده یعنی از زمان مرحوم مظفرالدین شاه دولتمن ساعی اند که يك قرضه توای بخلق ایران بریزند و دست و پای ایرانیان را بسته بجمع ابواب ترقی ایران را بکف خود گیرند ، ایرانیان راست که ازین استقراض دولتمن به بوهیزند که اگر تیر از شصت رها شد باز گرداندش دشوار بلکه محال است در مسئله راه آهن که حیثت بخش ایران است

زیاده بر این نمیکو ایم که ایرانیان بر خلاف دوره اولیه باید کم بگویند و پر بکنند نه اینکه پر بگویند و هیچ نکنند ، چه این امر مضرات چند دارد اول جوش و خروش ملت را کم می نماید - دوم اعتبار را از اقوال قانین ملت مرتفع بدارد - سوم رقبا را هوشیار می نماید و عوائق در جلو آنها میگذارد - بر صورت موفق شدن ایرانیان به تعمیر راه آهن بزرگترین خوشبختی ماست ولی قبل از اقدام بکار باید عوائق و موانع را سنجیده و رفع نموده اقدام نمایند که بعد از اقدام بکار عایدی صحت مورث یاس ملت باشد پیش نیاید و ملت درین کار مانند کارهای دیگر سر نخورد و سرد نشود

حکومت و وظیفه و مسئولیت دول

از شماره (۸)

بعضی از وظایب مهمه دولتها را مقابل یکدیگر در شماره گذشته نوشتیم . امروز هم به بنیم دولتها کی و در چه احوال پیش یکدیگر مسؤل میشوند ؟ تجاوزاتی که از طرف یکدولت به حقوق اصلیه و مکسوبه دول دیگر واقع شود تولید مسؤلیت می کند یعنی هر يك از دولتها از تجاوزات و افغایم که در زمان صلح از مامورین و تبعه او سر میزند مسؤل است و ازین تجاوزات هم یا یکدولت و یا تبعه آن متضرر میشوند . علمای علم حقوق مسؤلیت دول را به درجه تقسیم کرده اند .

(مسؤلیت از افعال واقع از شخص حکومت)
وقتی که در یک ممالکت شورش و اختلال ظهور کرده و حکومت محلیه تدابیر شده و تصدیقیه بکار میبرد اگر ازین شورش و اختلال و ازین تدابیر شده تبعه اجاب بکار بکار بکار

بشوند آیا آندولت مسؤول میشود یا نه ؟ برینجوجه مسؤول نمی شود . زیرا تبعه اجنبی که موقتا و بطریق مسافرت در یک مملکت اقامت میکنند حق ندارند بیش از تبعه محلیه مظنر مساعد و معاونت بشوند . اگر صورت دوم را قبول بکنیم یعنی اجنب را بیش از تبعه محلیه حائز حقوق و مظنر مساعد بشماریم سبب عدم مساوات ما بن تبعه محلیه و اجنب شده و موجب اختلال قوه اجراییه و استقلال آندولت و برای دول قسویه وسیله ادعای امتیازات مضره میگردد .

چنانچه در ممالک شرق بخصوص ایران و عثمانی بر حسب عهود و امتیازات عقبه اجنب خارج از دائره نفوذ و تبعیت قوانین حکومت محلیه بوده و بعضی امتیازات فایده و غیرمشروعه را مالک هستند . دولت انگلیس درینگونه مواقع برخلاف قوانین حقوق بین الدول همیشه برای تبعه خود مطالبه تضمینات میکند . در اختلالیکه سال ۱۸۴۹ در شهر (طوسقان و نابل) ظهور کرد دولت انگلیس تضمین خسارتی را که بر تبعه خود وارد شده بود مطالبه نمود و جواز جنکی به (نابل) فرستاد و فقط برای حل مسئله کیفیت حواله به حکم شده و حکما مطالبات انگلیس را رد کرده و بر ناحق اش حکم دادند .

در محاربات داخلیه صکه سال (۱۹۰۲) در مملکت (و نه زوئل لا) ظهور کرد دولت انگلیس و آنان وایتالی برای استیصال تضمین خسارات وارده بر تبعه خود کشتی های جنکی فرستاده و بندر های (و نه زوئل لا) را بتوپ گرفتند . حکومت جمهوری آمریکای جنوبی در معاهدات منعقد ما بن شان تصریح کرده اند که اگر در انهای اعتشاشات داخلیه اجنب دوجار خسارات شوند هیچ کدام مسئول نخواهند بود .

بعضی از دول خسارات وارده بر اجنب را در اعتشاشات داخلی از روی رصا و عاطفت نه در تحت مجبوریت حقوقیه نسویه و تلافی کرده اند چنانکه در محاربات واقع ما بن حکومت آمریکای نابی برای اعطای اعانه خسارت دیدگان یک لومیسون تشکیل شده و حکومت آمریکا این مسئله را بر زمین یک بیاننامه توضیح کرده بود .

در باب اعطای اعانه ابدأ مداخله سیاسیه و توسط خارجی جایز نبوده و بالعکس اینگونه احوال سوء تاثیر کرده و سبب رد اعانه میگردد . در سال ۱۸۸۲ در انهای توپ گرفتن اسکندریه از طرف جہاز جنکی انگلیس برای ضرر دیدگان مبالغ لازمه طائفاً توزیع شد . در سال ۱۸۷۶ هم در حادثاتیکه از روی تحریکات (کارولست) ما در اسپانیا روی داد به تبعه خسارت دیده فراسه تضمینات لازمه داده شد .

(مسؤولیت از افعال صادره از مأمورین)

اگر مأمورین خارجی و امرا و ضابطان قوای یخریه بکدولت در ممالک خارجه از رعایت مراسم و احتیاطات لازمه تکامل ورزند و بمحقوق و منافع آندولت اضرار بکنند . دولت متبوعه ایشان ازین حرکات مسؤول است . تعمیر و تضمین حرکات مذکوره سبب بدرجه و اهمیت کار و بزرگی ضرر متوع و متبدل میشود بعضا تنبیح حرکات آن مأمور کفایت میکند و بعضا هم باوجود تأدیبه تضمینات و بیان رسمی معذرت عزل آن مأمور را هم مستلزم می گردد .

اگر تبعه اجنب که موقتا در حال مسافرت در یک مملکت اقامت می کنند از طرف مأمورین محلیه برخلاف قوانین آن مملکت دوجار ضرر و خسارت بشوند مسؤولیتش واجب به مأمورین مذکوره است و ضرر دیدگان در علیه آن مأمور این اقامه دعوا و تحقیات می تواند بکنند . درینگونه احوال که دول در نزد تبعه خود مسؤول نیست نسبت به تبعه اجنبی بطریق اولی مسؤول نمیشود ، اما در ایران این مسئله را قریق نکرده و از اضرار و حرکاتیکه از مأمورین نسبت به تبعه اجنبی واقع میشود دولت را مسئول میدانند و اغلب اوقات ترضیه و تضمین آرا از دولت می خواهند .

اگر وقتیکه برای تضمین ضرر به محاکم محلیه آندولت مراجعت شود از احقاق حق امتناع بکند حکومت ازین امتناع مسؤول میشود و دولتیکه تبعه اش دوجار ضرر شده تضمین ضرر ایشانرا بواسطه سیاسیه مطالبه میکند .

قوانین ایکه در حق اجنب تطبیق و اجرا خواهد شد عین قوانینی است که تبعه محلیه تابع

آن هستند . اگر آن مأموریکه در محکمه بر علیهش قاضی دعوا شده تبرئه ذمت حاصل کرده و از طرف محکمه بدادن تضمینات محکوم شود مدعی اجنبی بر علیه حکومت اقامه دعوا نمی تواند بکند ، ولی در تطبیقات و فعلیات دول قویه در استحصال تضمینات مأمورین یک دولت ولو آن مأمورین محکوم هم وده باشند دول ضعیفه را تضییق می کنند .

(مسؤولیت از اعمال واقعه از افراد)

در همه حکومتات حتی حکومتات منظمه هم عبور کردن افراد تبعه بر عایت قطعی قانون و عدالت در تحت ضبط و ربط گرفتن ایشان تقریباً غیر ممکن است . از آنرو مسؤول داشتن یکدولت در تمام افعال غیر مرصیه و ناشایست افراد تبعه صحیح بحق نیست و از فعالیتیکه از افراد ملت سر میزند در حکومت ابداً مسؤولیت ترتب نمیکند . اگر از فعال افراد ملت افراد دیگر یا تبعه اجنبی متضرر شوید میتواند به محکمه رجوع کرده و احقاق حق را بطلبد چنانچه محکمه از احقاق حق امتناع باید آنوقت ازین حرکت محکمه دولت مسؤول می شود .

اگر از افراد یکدولت نسبت به تبعه و مأمورین حتی حرکاتیکه مثل دزدی دریائی و تقلید سکه مغایر حقوق بین الدول است سرزند بر حکومت متبوعه موجب مسؤولیت نمی شود .

بعضی اعمال هست که حکومت منظمه و متیقظه هم نمی تواند اجرای آنها را تماماً منع نکند فقط حکومت محلیه تدابیر لازمه اتخاذ و مجرمین را مجازات می نماید .

از فعالیتیکه بر ضد یکدولت از طرف تبعه خود که در مملکت اجنبیه اقامت دارد ایضاً می شود حکومت آن مملکت اجنبیه در پیش آندولت مسؤول می شود یا نه ، مسؤول نمی شود ، چنانچه در انتشار سال ۱۸۹۸ ایتالی وقتیکه ایتالیا که در مملکت سویس اقامت داشتند بر ضد تدابیر شدید دولت ایتالی در شهر روما و مهلان در سویس عقد اجتماعات و روست ها و اجرای مایش کردند این مسئله مطرح مذاکره شده و بر عدم مسؤولیت دولت سویس قرار داده شد .

سر میزند بالطبع آندولت مسؤول نمی شود حکومتیکه در عملکردش فعل و جرم مذکور واقع می شود مجبور بر تامین انتظام و آسایش و مأمور مجازات مرتکبین آن افعال بر طبق قوانین موضوعه خویش است ،

وقتیکه مسؤولیت یکدولت در یکمخصوص تحقیق کرد معامله لازمه نسبت بدرجه و نوع مسؤولیت تعیین می شود ، مثلاً به اعطای تضمینات و دادن ترضیه و تندیخ و توبیخ و عزل مأمور و اجرای تعقیبات از حق مجرم و با بیان معذرت از طرف مأمورین سیاسی تعمیر حال و اصلاح ذات بین می شود ،

وضعیت و وظیفه ایران در

(مقابل تجاوزات روس)

امروز تمام سیاسیون و ارباب بوتیک نظرشان بطرف ایران معطوف بوده و منتظر اقدامات کابینه ایران در باب مداخلات دولت روس هستند . و مسئله اخراج عساکر روس از تبریز و رشت موضوع بحث مجالس است و در حقیقت کابینه جدید ایران در حل این مسئله اقتدار خود را اثبات و مسلک سیاسی ابرار تعیین خواهد نمود ، و در تبدیل بوتیک روس در ایران فکر قطعی خواهد داد . بعضی از سیاسیون را رأی بر این است که سکوت امروزی روس موقتی است و اخراج عساکر وی از ایران بزودی انجام پذیر نمی شود و بدون شرایط و مدعیات گزاف حکومت روس عساکر خود را از ایران بیرون نخواهد کرد ولی اغلب منسوس عالم بوتیک مسئله را در شکل دیگر دیده و در پیش این مظنریت درخشان ایرانیان برای دولت روس حق و بهانه در ابتقای عساکر خود در ایران می بیند که ما را هم عقیده همین است ولی در هر حال هر چه زودتر این مسئله صورت پذیرد و عساکر روس بیرون بروند همانقدر مفید بحال ملت و سلامت مملکت است و حل این مسئله هم بطریق سیاسی که درین ضمن مراجعت به اصول حکم هم جایز است و یا بتوجه مسلحه خواهد بود و البته تا ممکن است بدون یأس از طریق اول طریق دوم اختیار نخواهد شد زیرا در عقب این اختلال دو ساله ملت و مملکت ایران محتاج سکون

اخبارات خارجه

§ مخبر (روتر) از (ملبلا) خبر میدهد که تدارك قشونی اسپانیا بد نیست ولی تا (۱۵) روز حمله نمودن آنها غیر ممکن بنظر می آید . چه قیامگاه اعراب خیلی با شمال عربی سرحد دهند مشابهت دارد و تلگرافی از (تانجیر) رسیده که اردوی دولتی مراکو حمله سختی بر باطنیان برده شکست فاحش بر آنها داده - بسیاری گرفتار و بر جمیع اردو قبضه کرده ، مدعیان فرار نموده و خیلی ها مغلول شده اند

§ جراند اسلامبول مینویسند در شاهی (یمن) (متمدنی معروف به محمد) علم بغاوت بر افراسخته و قلیلی از سربازان ساحلوی عثمانی را بقتل رسانیده از دمشق تدارك فرستادن کمک برای تهیه او دیده می شود

§ از تلگراف اسلامبول ظاهر می شود که دول اروپا باجمالی را آگاه نموده اند که محض همدردی به سلطنت مشروطه عثمانی در مداخلات داخلی رؤی تخفیف داده می شود

§ شکست و گرفتاری مدعی جدید سلطنت (مراکو) نتیجه بسیار پیچیده را ظاهر میدارد چه امتیاز معادن را (اسپانیا) از سر کرده قبایل (رف) گرفته و او مدعی سلطنت شده و گرفتار آمده است (اسپانیا) ازین رو پریشان است چه او اینوقت مقید و مسلوب الاختیار است لذا جمیع کارروائی های او ناجایز شمرده خواهد شد ، ولی امید است که از اقدامات سیاسیه این امر در (فیض) پیش شده سلطان منظور نماید - هرگاه باین طریق دعاوی قانونی اسپانیا قائم ماند قبائل (رف) نیز پایندی خواهند نمود

§ بنظر می آید که در بودجه فرانسه بابت سال ۱۹۱۰ - ۸ میلیون لیرا کمی باشد و این جا خالی را از زیاد نمودن بر گمرک شراب و تنباکو پر خواهند نمود

§ تلگرافی از (ملبورن) رسیده که در وکتوریا) محدی طغیانی و سیلاب شده که در عرصه چهل سال نشده بود - اتلاف و خساره کثیری از نفوس و اموال (ملبورن و ادیلها) شده -

تقصاتی زیاد به حیوانات وارد آمده است و بموجب خبری که از [ملبورن] رسیده [مسر دیکن] مشافهتاً اظهار داشت که دو دسته جہازات جنگی [استریلیا] ۶ کروزاثر و ۹ موشک شکن و مددودی از کشتیهای اندرونی را زیاد خواهد نمود

§ از تلگراف [ملبلا] ظاهر می شود که حالت اردوی (اسپانیا) خیلی مخوف است و برای قبضه و نگاهداری آنها ضرورت (۱۴۰۰۰) قشون میباشد و برای ایاب و ذهاب آذوقه (۲۰۰۰) لازم است برای انجام این امور ورود (۲۰۰۰۰) قشون امدادی را منتظر اند

§ بموجب حکم اعلیحضرت (ادوردهتم) بادشاه انگلستان (سلاتین باشا) که روز شنبه وارد (مریداد) شده در صله خدمتیکه در فتح در (سوطلی لند) نموده بودند نشان (نایت کاندرا آف وکتورین آدر) را باو داده شد

§ نماینده دولت انگلیس مقیم (فیض) شکایت از ظلمهائی که به باطنیان مقید می شود بسطغان نموده است

§ تلگرافی از (روم) رسیده که در (یمن) حرکات پیروان (امام یمن) باطنیه بنظر می آید ، بسیاری از سربازان عثمانی را هلاک نموده و دارند بسنت (حدیده) پیش قدمی مینمایند ، حکومت (یمن) از اسلامبول طالب کمک و برش الوزرا رأی داده که از دولتس (ایتالیا و انگلیس) امداد خراش شود که جہازات جنگی بحر احمر را فرستند ، جهاز کروزاثر (ایتالیا - والنزو - ار عدن ، بحدیده محض حفظ فوذ و اقتدار دولت مشارالها رهسپار گردید

§ (بریسبن فلالریس) رئیس جمهوری فرانس امروز وارد (رهمس) شد و با نوابان انگلیسی که یکی از آنها (جنرال فرنج) است ملاقات فرمود و تلگرافی از وقایع نکار جریده (طمس) از (پکن) رسیده که روز سه شنبه دوتین چین و ژاپون در مسئله (منچوریا) متفق الرأی شدند

§ در خصوص قبضه معادن (فوشون - نیتائی) هنوز افضال نشده ولی بنظر میرسد غالباً (چین تاؤ) را بدست خود در دست خواهند گرفت

مشارالیه اقرار کند بر اینکه در قرب و جوار آن و نیز در حوالی راه آهن جنوبی (منجوریا) راه آهن ناسازد ، و راه آهن (سمرتن) بسمت شمال را بدون اجازه ژاپون امتداد ندهد

۳ در اضلاع (سینا)ی (ایتالیا) زلزله شدیدی شده در شهر [لورینزو] و [بون کنونیت] عمارات زیاد مهم تلفات نفوس بسیار واقع شده است .
 ۴ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که عهد نامه راه آهن (ایتیک مکن) بین دولتین چین و ژاپون امضا یافت . دولت چین رضا داد که شرکت ژاپون در تعمیر راه آهن مذکور بکوشد و معاذیر خود را مسترد دارد

۵ جزیره کرید و دولتین عثمانی و یونان
 ۶ تلگراف (دمشق) طامر میدارد که دسته چهارات خنکی عثمان (۱۲) فرود بوده که از آنجا رهسپار بسمت (کاریا تروس) گردید ، کپانهای چهارات تحت ارتق عثمان عمده حات خارجه حاصه یونانیان را حواب می گوید

۷ از حواب یونان به باغالی مسالت مترشح است یونان اظهار داشته که یونانیان از قواص سلطنت مشروطه عثمان نهایت خوش هستند ، و درخصوص (کرید) از حالاتی که تفصیل نوشته بعید نیست که کمورت بین عثمان و یونان رائل شود

۸ در اسلامبول خیال میشود که درباره کرید دولت متوجح رأی کبیته انجناد و ترقی کار روان میکند که آنها برخلاف یونان خواهان خنک اند
 ۹ امید در حال مساعیه (کرید) کتر میرود

۱۰ مناقشات کرید دارد روز بروز مارکتر می شود این رو در (مقدونیا) طامر عثمان و یونان آثار کمورت پایان است و در اسلامبول سرایت نمود ، چنانچه در شهر اسلامبول هم برخلاف یونان خیالات طامر معطوف است و در مصاحبات دسب از خریداری متعه یونان کشیده اند

۱۱ دولت عثمان اعتراضی که به یونان نموده در ضمن آن شکایب بد رفتاری قوسل یونان را هم در (مقدونیا) نموده است

۱۲ دولت یونان پس از رد شکایب اعتراضات عثمان تکرار در اتحاد میباشد

۱۳ تلگراف اسلامبول طامر میدارد که شورای

وزرا بحث درباره خط یونان نموده - مجلس پاشا حن ملاقات گفت که جواب یونان در چند مسائل تشیی بخش است ولی خیلی محیط نیست ، دولت عثمانی خواندان خنک نمیشد ولی رعایا درباره معامله کرید بسیار برافروخته اند ، مقصود این است که طی معامله با نهایت عزت به شود و از دول همین امید میرود ، در آخر اظهار داشت که تا کنون هیچ خطری پیش نیامده است

۱۴ از اخبار (کینیا) طامر می شود در یکی از مجلس دواط یونان منجانب مجلس ملی کرید خط دول اروپا را پیش کرده خواست اطاعت از اوامر دول نموده است

۱۵ مخبر (روتر) از (کینیا) خبر میدهد که دسته از قشون دول محافظ کرید از جہازات زره پوش با چند عراده توپ فرود آمده و ساعت پنج صبح نشان یونان را از قلعه بزیر آوردند احدی به مخالفت برخاست و آن دسته بعد از آن رجعت بجہازات کردید و عده از ملازمان و چند عراده توپ جہت حنات در آنجا گذاردند ، قشون محافظ دول در شهر به نگهبانی مشغول اند

۱۶ بوجب خبری که از اسلامبول رسیده مسئله (کرید) روی به بهتری دارد چه دولت (یونان) اقبال داده که جواب خط باغالی را با صواب خواهد داد

۱۷ تلگراف (اتن) طامر میدارد که جواب دولت (یونان) به سفیر دولت عثمانی تقدیم شد . کن می رود که مصامن این خط قریب مضامینی است که در خطوط قبل نوشته و همین ذریعهم به دولت عثمان فرستاده شده بود

۱۸ مخبر (روتر) از (کینیا) خبر میدهد که اسرانیای حن نزول نشان یونان انتظام فرق العاده نموده بودند تا از مداخلت رعایا انتشار واقع شود و فوج محافظ در عمارات که نذر اندازش لشکرگاه بود گرد آمده بودند از این جهت حنات نشان را که زمان خیال داشتند به نمایند نتوانستند ، رعایای یونان بسیار رنجیده خاطر شده از (کینیا) هجرت اختیار کردند تا فرود آوردن نشان دولت خود را به پند
 ۱۹ مخبر (روتر) اطلاع یافته که جواب (یونان) به باغالی تسلی بخش است و غالباً باغالی را راضی

سازد و تکدر خمار طرفین از آن مرتفع گردد
 ¶ تلگرافی از اسلامبول رسیده که دول محافظ
 (کرید) به بابعالی مکتونی نوشته این مصون که
 مناسب نیست که با (یونان) کدورت خادار داشته باشند
 چه این کدورت در امنیت (بانکان) خلل میآورد
 ¶ مخبر (روتر) از (کینیا) خبر میدهد که حکومت
 به قونسلهای دول اطلاع داده که وی بتبول بودن
 دستور العمل دول محافظ آماده میباشد در خصوص
 نشان و نیز در قبول دستور العمل مکتوب رسمی
 خواهد داد بشرط اینکه در (کینیا) امنیت پیدا
 شود، در (کینیا) افسران نشان را فرود آوردند
 ولی رعایای مسلح دوباره برافراشتند و دارید محافظت
 می کنند

¶ خبر تازه از (کینیا) رسیده که امنیت قثم
 و رعایا برضایت خود نشان را فرود آورده به اداره
 بلدیہ سپردند

¶ مخبر روتر خبر یافته که مراسم دول محافظ
 (کرید) به بابعالی متحکمانه نبوده بلکه متأسفانه
 ظاهر داشته اند که دولت عثمانی افضال مسئله (کرید)
 را به دول محافظ واگذار کرده با اینکه دول مرپوره
 از هر جهت محافظت اعراض و حقوق دول عثمانی
 را ملحوض داشته اند ، و نیز در آن مکتوب مرقوم
 بود که دولت عثمانی را لازم است شکایات خود را
 در مسئله (مقدونیا) به دوایکه عهد نامه برابن
 را امضا نموده اند تقدیم نماید

¶ مخبر روتر را گمان ایست که بابعالی جواب
 خط دول محافظ (کرید) را نخواهد داد چه
 ضرورت جواب نیست - و چونکه دولت یونان خط
 دوستانه درباره (مقدونیا) نوشته از این رومضون
 است که بابعالی در این باره دیگر مجابره با دول
 اروپا نه نماید

¶ حکومت (کرید) سندی به قناسل دول در
 خصوص عدم برافراشتن نشان (یونان) سپرده قناسل
 خواستن تغییر و تبدیل عبارت آن سند را نموده اند
 ¶ بموجب تلگراف اسلامبول روز یکشنبه شورای
 وزرا بعد از اجلاس به روزنامجات خبر داده که
 جواب دولت (یونان) خاطر خواه است

¶ مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که هیئت

پسندند ولی باز هم اراده دارند که بدول اروپا
 بنویسند که مسئله (کرید) باید کسی تصفیه بشود
 ¶ تلگراف از طهران بخراسان ۲۸ ج ۲
 بانجمن ایالتی - پس از ورود مجاهدین زیور
 در (حصارک) با یک حمله زیورانه سنگر
 (پل گرج) را که محکم ترین سنگرهای ایران بشمار
 است متصرف . قزاقهای دولتی که بی اندازه و با
 توپهای مسلسل و شراپنل و تریاد بودند فراری .
 یورش مجاهدین تا شاه آباد و جنگهای سخت .
 بالاخره بد از دو روز حرکت مجاهدین از کرج
 بنقاط شهرستان و تصرف (قره تپه) و جنگیدن
 یکروز تمام در حلقه با سوارهای قراچه داعی و
 قزاقها و عقب نشاندن دولتیان و تصرف کردن قلعه
 (مادامک) و (دهوین) و جنگ دو روزه با توپ
 و تفنگ و عقب نشاندن دولتیان از اطراف قلعه ار
 تپه ها و دره ها - در شب سهشنبه (۲۴) الحاق
 حضرت اشرف سردار اسعد بختیاری با اردوی
 مجاهدین . در ساعت شش حرکت بسمت طهران
 و صبح هفت شب عموماً ورود بشهر . سربازهای
 دولتی را متصرف . نقطه بهارستان و مسجد سپهسالار
 را متصرف . و دست هم اطراف توبخانه و قزاقخانه
 را محاصره کرده تا صبح همه در تمام شهر صدای
 شلیک توپ و تفنگ دولتیان و ملتبان گوشها را کر
 و چشمها را پر کرده از سیلاخوری و مامانی
 بی اندازه مقتول و از سوارهای قراچه داعی و قزاق
 عده رباد مجبوری هدف گلوله مجاهدین . و قریب
 دوازده نفر از مجاهدین هم شهید راه حریت گردیدند
 و شاه ماضی محمد علی میرزا ارسلط آباد فرار
 بفرات روس در (زرکنده) پناهنده و تمام قوای
 دولتی تسلیم ملت شده و میشود . شهر هم درکمال
 آرای و امنیت . تکاکس تمام مفتوح . عموماً بنناد
 عو عمومی آزاد . قطبه مردم از دعای و سیر
 ساری ما هم متحد و متفق و نزاع بکلی برطرف
 شده سه ساعت بغروب طانده در (بهارستان) مجلس
 عالی از هیئت جامعه ملت و ارکان دولت تشکیل
 یافته با اکثریت آراء انتزاع سلطنت از شخص
 محمد علی میرزا و تقویض بحضرت ولیعهد سلطان احمد
 شاه مشروطه خواه حاله دولت ایران و انتخاب کرد

ایران و سپهسالاری مملکت را بحضرت اشرف سپه‌دار اعظم . و وزارت داخله را بحضرت اشرف آقای سردار اسعد بختیاری تا این اندازه کارها بر وفق مرام حاصل شده یکساعت بغروب هم جناب ضرغام السلطنه بختیاری با اردوی دویم بختیاری وارد . منحصرین حضرت عبدالعظیم هم داخل شهر صدای زنده باد بکروبیان میرسید . و از واقعات یوم جمعه دیگر ایسکه بالکونیک لیاکوف امنیت از طرف ملت حاصل کرده تسلیم شد و سه ساعت بغروب در مجلس حضور بهم رسانیده حضرت اشرف سپهسالار اعظم انتظام قراقخانه و توپخانه را موقتاً ببالکونیک برگذار نمودند . فعلاً اماناء ملت و دولت مشغول انتظام کلیه دوایر دولتی هستند (علی محمد)

ادبیات

انتر حاتم جناب مستطاب ملک الشعرای

(آستان قدس)

(ترانه ملی)

می ده که طی شد دوران جانگاہ

آسوده شد ملک الملک لله *

شد شاه بورا اقبال همراه

کوس شی کوفت بر رخم بدخواه *

(شد صبح طالع طی شد شبگاه)

(الحمد لله الحمد لله)

یک چند مارا عم وهنمون شد

جان یار غمگشت دل غرق خون شد *

نام وطن را رخ نیلگون شد

وامروزه دشمن خوار و زبون شد *

(زین حبش سخت زین قتح ناگاه)

(الحمد لله الحمد لله)

چندی ز بیداد فرسوده گشتیم

با خاک و ما خون آورده گشتیم *

زیر بی خصم بوده گشتیم

وامروز دیگر آسوده گشتیم *

(از ظلم ظالم و رکید بدخواه)

(الحمد لله الحمد لله)

آنانکه ما را کشتند و بستند

قلب وطن را از کینه خستند *

از بد نژادی پیمان شکستند

از چنگ ملت آخر نجاتند *

(از حضرت شیخ تا حضرت شاه)

(الحمد لله الحمد لله)

آنانکه با جور منسوب گشتند

در مده ملک میکروب گشتند *

آخر ملت منسوب گشتند

از ساحت ملک جاروب گشتند *

(پیران جاهل شیخان گراه)

(الحمد لله الحمد لله)

چون کدخدا دید جور شبان را

از جا بر انگیخت ستار خان را *

سد ستم ساخت آن مرزبان را

تا کرد رنگن تیغ و سنان را *

(از خون دشمن وز منز بدخواه)

(الحمد لله الحمد لله)

بس مستبدین لغتی جریبند

گشتند لغتی لغتی شنیدند *

ناکه ز هر سو شیران رسیدند

آن روپهان باز دم درکشیدند *

(شد طعمه شیر بیچاره روباه)

(الحمد لله الحمد لله)

اقبال شد یار با بختیاری

گیلانیان را حق کرد یاری *

حیث عدو شد یکسر فراری

درکنج غمگشت دشمن حصاری *

(شد کار ملت بر طرز بدخواه)

(الحمد لله الحمد لله)

یکسو سپه‌دار شد قته را سد

یکسو یورش برد سردار اسعد *

ضرغام بر دل آمد ز یک حد

بر کف گرفتند تیغ مه‌بند *

(بستند بر خصم از هر طرف راه)

(الحمد لله الحمد لله)

بدخواه دین را سدی متن بود

خاکس بسر شد پاداشش این بود *

دشمن که باعیش دایم قرین بود

(اکنون قرین است با ناله و آه)

(الحمد لله الحمد لله)

بخت سپه‌دار فرخنده بادا

سردار اسعد پاینده بادا *